

سازمان اداری حکومت صفوی

با
تحقیقات و حواشی و تعلیقات

استاد مینورسکی

بر
تذكرة الملوك

ترجمه

مسعود رجب نیا

با

حواشی و فهارس و مقدمه و امعان نظر

محمد دبیرسیاقی

تهران - بهمن ماه ۱۳۳۴ خورشیدی

بسرمايه

انجمن کتاب - کتابفروشی زوار

دو

کتابخانه
۹۲۳۵
۱۱ - ۱۲



نشریه سوم



تذکر انجمن کتاب

تذکر انجمن کتاب

پس از ترجمه و انتشار کتابهای «Regards sur la nature et ses mystères» نظری بطبیعت و اسرار آن « نوشته : Professeur Léon Bertin » پرفسور لئون برتن، ترجمه آقای محمدقاضی و « Et cela s'appelle l'aurore » « سپیده دم » تألیف Emmanuel Robles « امانوئل روبلس » که بدست آقای دکتر امیرحسین جهاننگلو بفارسی برگردانده شده، کتاب حاضر سومین نشریه انجمن کتاب است که ظرف این یکسال و چندماه پس از تأسیس آن انتشار مییابد.

این اثر نفیس و گرانقدر که حاصل زحمات خاورشناس دانشمند پرفسور مینورسکی مشهور مییابد، جایش در میان کتابهای فارسی از هر جهت خالی بود و همتی میخواست که آنرا از متن انگلیسی بفارسی سلیس و روانی که ضمناً همه خصوصیات زبان اصلی را حفظ کرده باشد برگرداند، تا جمله اهل تحقیق و دانش را بکار آید و سرمایه ای میخواست تا آنرا بصورتی پسندیده، که کم از آنچه صورت اصلی آنست نباشد، بطبع رساند.

خوشبختانه انجمن کتاب بانجام این مهم موفق گردید و توانست کار را آنطور که دلخواه بود و نظر اهل علم و ذوق مطبوع آید، پایان رساند و اثر بسیار با ارزشی را بزبان فارسی بیفزاید.

بر این مقال باید افزود که ترجمه این کتاب سودمند با همت و پشتکار فاضل ارجمند آقای مسعود رجب نیا که بسیاری از آثار بزرگان غرب را بزبان فارسی ترجمه کرده اند انجام پذیرفته است و از حسن پیش آمد آنکه آقای محمد دبیرسیاقی محقق دانش پژوه که معروف اهل علم و ادب هستند بر جزء جزء آن نظارت کافی و کامل داشته اند و از آن جهت که قسمت دوم کتاب را قبلاً فهرست کرده و بچاپ رسانده بودند با اطلاعات جامع و دقیقی که درباره رموز و مشکلات آن داشته اند با امعان نظر کافی

چهار

هرچیز را در جای خود نوشته و یادداشت کرده اند و بخصوص هر جا در متن کتاب اشارتی به تذکره الملوك رفته بود اشاره ایهم بشماره صفحات تذکره الملوك چاپ تهران - که گفته شد بکوشش خود ایشان طبع شده است. نموده اند تا مراجع کنندگان با سانی بتوانند استفاده کنند و از این جهت میتوان گفت ترجمه فارسی این کتاب لااقل برای خوانندگان فارسی زبان خود مرتبی دارد، بخصوص که آقای دبیر سیاقی فهارس متعدد برای آن ترتیب داده اند که در اصل انگلیسی کتاب وجود نداشته است و اغلب در ذیل صفحات یادداشت‌هایی از اطلاعات و تحقیقات خود افزوده اند که بی شك بر ارزش آن از هر باره میافزاید.

انجمن کتاب خود را وظیفه دار قدرشناسی از زحمات گرانبهای ایشان میداند. ضمناً انجمن کتاب برای آنکه دارندگان این نسخه از قسمت اول آن محروم نمانند و دچار اشکال نشوند، همه باز مانده نسخ چاپ شده آقای دبیر سیاقی را با اختیار گرفته و ترجمه فارسی ضمائم را که پرفسور مینورسکی بر آن افزوده بود بدان الحاق کرد و همانند این نسخه با جلد مرغوب و صورتی مطلوب بعنوان جلد دوم کتاب حاضر در اختیار ارباب فضل و تحقیق گذارد.

البته چون از نسخ آقای دبیر سیاقی بیش از چهارصد نسخه چاپ نشده بود احتمال هست که حاجت به تجدید چاپ آن بشود که بی شك با مزایایی بیشتر از طرف انجمن کتاب چاپ خواهد شد.

در چاپ و انتشار این کار پیرارج آقای اکبر زوار مدیر کتابفروشی زوار، با انجمن کتاب همکار و همگام بود و الحق در حدود مقدور از هیچگونه کمکی دریغ نگفت، انجمن کتاب این همکاری صمیمانه را میستاید.

امید است این خدمت «انجمن کتاب» که با همت و کمک دوستان دانش پرور حسن ختام پذیرفته است مقبول اهل کمال باشد.

«انجمن کتاب»

فهرست مندرجات کتاب

صفحه	موضوع
۹۰	تذکر انجمن کتاب
دوازده	پوش گفتار
بیست	مقدمه مترجم
	I - منابع و مأخذ مربوط بتشکلات اداری ایران :
۲	فصل اول - قلت مناسبع ایران
۴	فصل دوم - جهانگردان اروپائی
۱۱	فصل سوم - تذکر الملوك :
۱۱	۱ - اوضاع مقارن زمان تألیف
۱۴	۲ - مطالب تذکر الملوك
	II توضیحات :
۱۷	الف - بنیان اجتماعی و اقتصادی حکومت صفوی
۱۷	۱ - شاه
۲۰	۲ - طبقات حاکمه
۲۹	۳ - طبقات میانه
۳۱	۴ - کارگران
۳۶	۵ - علل زوال دولت صفوی
۳۹	ب - مسائل مختص بتشکیل حکومت :
۳۹	۱ - ممالک و خاصه
۴۳	۲ - معافیتها - و مالیاتها و مستمریها

صفحه	موضوع
۴۸	۳ - بیوتات سلطنتی
۴۹	۴ - تشکیلات نظامی
۶۲	فهرست مطالب متن اصلی تذکره الملوک
۷۱	تعلیقات یا شرح مطالب :
۷۱	مشاغل و مناصب :
۷۱	باب اول - مقامات روحانی
۷۲	فصل اول - شغل ملا باشی
۷۳	فصل دوم - وظائف صدور (صدر خاصه)
۷۴	فصل سوم - قاصی (اصفهان)
۷۵	فصل چهارم - شیخ الاسلام
۷۵	فصل پنجم - حدوث تغییرات در تشکیلات لشکری
۷۶	باب دوم - در بیان منصب هر یک از امراء عظام
۷۶	الف : سرحداران
۸۱	ب : وظائف امراء در دولتخانه
۸۱	فصل ششم - وزیر اعظم
۸۵	فصل هفتم - قورچی باشی
۸۸	فصل هشتم - بیان مشاغل افراد قوللر و جزایری (قوللر آقاسی)
۸۸	فصل نهم - ایشیک آقاسی باشی
۸۹	فصل دهم - تفنگچیان (تفنگچی باشی)
۹۰	فصل یازدهم - ناظر بیوتات
۹۲	فصل دوازدهم - دیوان بیکی
۹۳	فصل سیزدهم - امیر شکار باشی
۹۳	فصل چهاردهم - توپخانه (توپچی باشی)
۹۴	فصل پانزدهم و شانزدهم - امیر آخور باشی (جلو و صحرا)

صفحه	موضوع
۹۵	فصل هفدهم - مجلس نویس
۹۸	فصل هجدهم - مستوفی الممالک
۱۰۳	فصل نوزدهم - خلیفه الخلفا
۱۰۶	باب سوم - در میان منصب هریک از مقربان
۱۰۷	قسم اول - مقرب الخاقان :
۱۰۷	نوع اول - خواجه سرا
۱۰۹	نوع دوم - مأموران رسمی مورد اعتماد ملازم سلطان
۱۰۹	فصل بیستم - حکیمباشی
۱۰۹	فصل بیست و یکم - منجم باشی
۱۱۰	فصل بیست و دوم - معیر الممالک (خرا بخانه)
۱۱۱	مراحل ضرب مسکوک
۱۱۲	میزان عیار فلزات گرانها و وزن مسکوک
۱۱۳	واجبی و نوسانات آن
۱۱۷	فصل بیست و سوم - منشی الممالک
۱۱۷	۱ - منشی الممالک
۱۱۸	۲ - رقم نویس
۱۱۸	۳ - حکم نویس
۱۱۸	۴ و ۵ - مهرداداران
۱۱۸	فصل بیست و چهارم - مهردادار مهره مایون
۱۱۹	فصل بیست و پنجم - مهردادار مهر شرف نقاد
۱۱۹	فصل بیست و ششم و بیست و هفتم - دوائداران
۱۲۰	قسم دوم - مقرب الحضرت :
۱۲۰	۱ - ابواب جمعی و زیرستان ایشیک آقاسی باشی
۱۲۰	فصل بیست و هشتم - ایشیک آقاسی باشی حرم

صفحة	موضوع
۱۲۰	فصل بیست ونهم وسی ام - یاول (یساولان صحبت)
۱۲۱	فصل سی ویکم - قاپوچی
۱۲۲	۲ - صاحبجمع (صاحبجمعان بیوتات)
۱۲۴	فهرست ۳۴ کارخانه
۱۲۶	فصل سی ودوم - خزانه دار وکلیددارخزانه (خزانه سلطنتی)
۱۲۶	فصل سی وسوم - جبادارباشی (جباخانه)
۱۲۶	فصل سی وچهارم وسی وینجم - قیچاجی خانه خاصه وامرائی
۱۲۷	فصل سی وششم - فراشباشی وصاحبجمع مشعلخانه
۱۲۸	فصل سی وهفتم وسی هشتم وصدم - توشمال باشی
۱۲۸	فصل سی ونهم وچهل ویکم وچهل وهفتم (سقاخانه - ایاغخانه - شیره خانه یا آبدارخانه - قهوه خانه - شربتخانه) ،
۱۲۹	متصدی تدارك آب وقهوه وآشامیدنی
۱۳۰	فصل چهلم - شترخان
۱۳۰	فصل چهل ودوم - تحویلداران
۱۳۱	فصل چهل وسوم - رکا بنخانه
۱۳۱	فصل چهل وچهارم - مشعلخانه ونقاره خانه
۱۳۲	فصل چهل وینجم و چهل وششم - انبار واصطبل
۱۳۳	فصل چهل و هشتم - ضرابی باشی
۱۳۳	فصل چهل ونهم - صراف باشی
۱۳۳	باب چهارم - حسابداران ومنشیان
۱۳۴	مقصد اول
۱۳۴	فصل پنجاهم - وزیر بیوتات
۱۳۴	فصل پنجاه ویکم - مستوفی ارباب تحاویل

صفحه	موضوع
۱۳۵	فصل پنجاه و دوم - مشرفان بیونات
۱۳۵	مقصودثانی
۱۳۵	فصل پنجاه و سوم - ناظر دفترخانه همایون
۱۳۶	فصل پنجاه و چهارم - داروغه دفترخانه
۱۳۷	فصل پنجاه و پنجم تاشصت و دوم - وزیر و مستوفی سرکار قورچی - وزیر و مستوفی سرکار غلامان - وزیر و مستوفی تفنگچیان - وزیر و مستوفی توپخانه
۱۳۸	فصل شصت و سوم و شصت و چهارم - لشکر نویس و سرخط نویس
۱۳۹	فصل شصت و پنجم - ضابطه نویس
۱۴۰	فصل شصت و ششم - صاحب توجیه
۱۴۲	فصل شصت و هفتم - دفتر دار
۱۴۲	فصل شصت و هشتم - عزب باشی
۱۴۳	فصل شصت و نهم - ضابطه دوشلک و کیل
۱۴۳	فصل هفتادم - اوارجه نویس
باب پنجم - در ذکر شغل مختص هر یک از عمال دار السلطنه اصفهان ۱۴۶	
۱۴۷	فصل هفتاد و یکم و هشتاد و یکم - وزیر و مستوفی سرکار فیض آثار
۱۴۸	فصل هفتاد و دوم - مستوفی موقوفات
۱۴۸	فصل هفتاد و ششم تا هشتادم - ادارات اصفهان
۱۵۰	فصل هفتاد و چهارم و هفتاد و پنجم - وزیر و مستوفی سرکار ائتقالی
۱۵۱	فصل هفتاد و ششم و هفتاد و نهم - کالاتر و نقیب
۱۵۲	فصل هفتاد و هفتم - داروغه اصفهان
۱۵۴	فصل هفتاد و هشتم - محاسب
۱۵۵	فصل هشتادم - میراب
۱۵۶	فصل هشتاد و سوم - رباع

صفحه	موضوع
	خاتمه :
۱۵۷	مقاله اول - مواجب اعضاء دستگاہ مرکزی
۱۵۹	(الف) مواجب مستمر
۱۶۴	(ب) طبقه بندی مواجب
۱۶۹	(ج) رسوم
۱۷۴	(د) توزیع و تقسیم رسوم
	مقاله دوم - مواجب و افراد سپاهی بیکلریکیان
۱۷۸	جدول اول
۱۸۲	(ب) توضیحات مربوط بجهت‌افسای اداری
۱۸۸	(الف) شمال غرب
۱۹۶	(ب) مشرق
۲۰۰	(ج) شمال
۲۰۱	(د) جنوب شرقی
۲۰۱	(ه) مرکز
۲۰۲	(و) مغرب
۲۰۵	(ز) جنوب و جنوب غرب
۲۰۸	مقاله سوم - بودجه :
	I عواید
۲۰۹	(الف) حاصل جمعها
۲۱۳	(ب) رؤسای گردآوری عواید
۲۱۳	(الف الف) - اوارجه
۲۱۳	(ب ب) - خاصه
۲۱۴	(ج ج) - ضابطه

صفحه	موضوع
۲۱۶	(د د) معادن
۲۱۷	(ه ه) - ارباب التحاویله
۲۱۹	(ج) - عواید طبق مندرجات منابع فرنگی
۲۲۸	II مخارج (جدول سوم)
۲۳۱	III توازن (جدول دوم و سوم)
۲۳۶	ضمایم :
۲۳۶	I ایرانیان و ترکان مقیم ایران
۲۴۰	II پشیمانان پیشوایان قدیم اردبیل
۲۵۳	III زمین داری در ایران
۲۵۷	IV جریان امور اداری
۲۵۸	(الف) نظرشاردن درباره امور اداری ایران
۲۶۱	(ب) مدارك مجموعه فرامین سلطنتی موزه بریتانیا
۲۶۶	(ج) مهرهای مقام سلطنت
۲۷۰	(د) اقسام اسناد ومدارك اداری
۲۷۲	V - شیوه تحریر و سبک تذکره الملوك
۲۷۴	VI - مراجع و ماخذ
۲۷۴	الف - فهرست کتب فارسی
۲۷۶	ب - فهرست کتب زبانهای بیگانه
۲۸۵	فهرست لغات واصطلاحات
۲۹۶	فهرست نام جایها
۳۱۲	فهرست نام کسان
۳۲۹	فهرست نام قبایل وطوایف و ایلات و سلسلهها
۳۳۵	فهرست نام کتابها و مجلهها
پس از ۳۴۲	جدول خطا و صواب



پیشگفتار

ترجمه حواشی و تعلیقات فاضلانه استاد مینورسکی بر کتاب تذکره الملوك که وعده نشر آن در مقدمه متن کتاب مذکور داده شده بود بهمت دوست فاضل آقای مسعود رجب نیا پایان پذیرفت و قبل از بیان هر نکته‌یی باید از مساعی مصروفه ایشان در راه ترجمه و مقابله و تصحیح این کتاب سپاسگزار بود.

در ترجمه حواشی و تعلیقات مذکور پس از آماده شدن بمنظور تنقیح و تطبیق با همکاری مترجم محترم دقت و اافی رفت - و این امعان نظر اگر چه سالی تمام زمان گرفت اما گمان من اینست که گم کردن این مایه عمر بدان نیت که اثری بی‌ارزبه پیشگاه اهل ادب تقدیم نشود، ناجان بود. همکاری تصحیح و تنقیح هنگام چاپ کتاب نیز بهمین قصد بوده است. امید کند گردانندگان «انجمن کتاب» که باروی گشاده تحمل هزینه چاپ این کتاب را کرده اند و بیوسته عمر و مال در کار نشر آثار گرانبها دارند و بر ذخائر معنوی و آثار علمی و ادبی کشور می افزایند درین نیت خیر کامروا و موفق باشند. اما کتاب حاضر که «سازمان اداری حکومت صفوی» نامیده شده است، چنانکه گفتیم ترجمه حواشی و تحقیقات و تتبعات فاضلانه خاورشناس نامی مینورسکی (Minorsky) بر کتاب گرانبهای تذکره الملوك است که در کمبریج از شهرهای انگلستان بسال ۱۹۲۳ میلادی طبع و نشر گردیده است. متن کتاب یعنی تذکره الملوك از تشکیلات اداری و دربار و طبقات و مشاغل و مناصب و عواید دوران صفویه سخن میدارد و حاوی اطلاعاتی درباره

حکام و ولایة و سرحدداران آن زمان و میزان درآمد و نیروی لشکری آنانست و ظاهر ابداستور اشرف افغان بود بدست کسی که خود از مبانی تشکیلات اداری صفوی آگاهی کامل داشته، برشته تحریر در آمده است.

متن کتاب مزبور را که استاد مینورسکی از روی نسخه منحصری بچاپ عکسی رسانده است، و شرح و تفصیل کیفیت چاپ آنرا از گفتار خود ایشان بدنبال این مقاله خواهیم آورد، نگارنده در بهمن ماه سال ۱۳۳۲ در تهران بچاپ رسانید و بر آن فهرسی لازم و توضیحاتی اندک امامفید افزود و در مقدمه آن وعده داد که ترجمه حواشی و تعلیقات را بعنوان جلد دوم تذکره الملوك منتشر سازد. اما پس از آماده شدن ترجمه حواشی و تعلیقات مذکور اضاف دید که بر این مطالب مفید عنوان مستقل دهد، زیرا بتحقیق اطلاعات گردآوری شده مورد بحث علاوه بر آنکه مطالب تذکره الملوك را بهترین وجهی تشریح و بر و شنترین طریقی تکمیل و جالب میسازد خود نمونه یکی از کارهای دقیق و منظم و مبتنی بر مطالعات عمیق و پیر دامنه در زمینه تاریخ و جغرافیا و ادب و فرهنگ و علم الاجتماع نقلی میشود و بحق شایسته است که سرمشق محققین و متبعین قرار گیرد و قطعیت که استاد مینورسکی سالیان دراز دست اندر کار تهیه مصالح و مواد لازم برای بنیان گذاری این کاخ باشکوه و با عظمت بوده است و بدین منظور سفر نامه های سیاحان خارجی و کتب معتبر مربوط بعصر صفوی را بدقت مطالعه کرده و در متون و آثاری که از آن سودی برای کار خویش تصور میبرده دقیق شده و نقد منابع جغرافیائی و تاریخی کرده و در کتب اجتماعی و علمی و یادداشت های مربوط بمداخل و مخارج موشکافی کرده و در مسائلی که اجتماع بر آن مبتنی تواند بود بچشم دقت دیده است.

کتاب مینورسکی با آن همه مطالب، چشم خواننده را بجهانی دیگر، جهان اجتماع، جهانی که ژرف تر و پهناتر از دنیای ظواهر است میگشاید، امر مینورسکی آن خمیر مایه و آن نتیجه ایست که در عرف

چهارده

ما «گرم و سرد روز گردیدن و شیرین و تلخ روز کار چشیدن» نام دارد . آنچه ابوالفضل بیهقی دیر ، مؤرخ راستگو و روشن بین در مورد تاریخ گفته است ، چنین: «در دیگر تواریخ چنین طول و عرض نیست که احوال را آسانتر گفته اند و شمه‌یی بیش یاد نکرده ، اما چون من کار را پیش گرفتم می‌خواهم که داد این تاریخ را بشمامی بدهم و گرد زوایا و خبایا بر گردم تا هیچ از احوال پوشیده نماند» - یعنی نوشتن تاریخی زنده و حساس برای آیندگان - آینه تمام‌نما و فرد کامل آن ، بحث مستوفی و دقیق و وسیعی است که از تحلیل تاریخ و تشریح اجتماع و عبارتت بهتر موضوع شیرین و پر معنای تاریخ جامعه ، درین کتاب رفته است . مشهودات عمیق و کنج‌کاوانه خود مینورسکی در ایران و نواحی مجاور چاشنی اطلاعات تاریخی او گشته و تشریح لغات و اصطلاحات کلید بسیاری از مشکلات معنوی گردیده است ، خلاصه آنکه اثر مینورسکی در شناخت جامعه صفوی و معرفی آثار مربوط بآن عصر و بحث در لوازم و اطلاعات مربوط بآن دوره در حد اعتلاست .

بر کتاب حاضر چنانکه گفتیم نام «سازمان اداری حکومت صفوی» داده ایم ، و این عنوان نیز مأخوذ از عبارتی از مقدمه مؤلف در تشریح مطالب کتابست ، فهرس لغات و اصطلاحات و اما کن و اعلام و قبایل کتب نیز بر آن افزوده ایم که مفید فایده بیشتر باشد اما فهرست لغات و اصطلاحات و مناصب شامل لغات است که در متن کتاب معنی و تفسیر شده و حاوی اصطلاحات است که شرح و توجیه دارند و مناصبی که وظائفشان بیان گردیده است . ، در فهرست اعلام و اما کن و کتب ، آن اعلام تاریخی و جغرافیائی را که در متن فقط بخط لاتین قید شده است برای آنکه نیازمند فهرست علیحده نشود و خوانندگان عزیز را گمراه نسازد در ردیف الفبائی کلمات فارسی منتهی در ذیل صفحات آورده ایم که در عین حال هم مردف باشد و هم مجزی . در متن کتاب گاه توضیحات لازم که بروشن شدن مطالب کتاب کمک خواهد کرد و یا احیاناً سهو القلمی را گوشزد میکند افزوده ایم و این توضیحات را

باعلامت (م. د.) در حواشی قید کرده ایم. توضیحاتی در پاورقی که علامت (م.) دارد، از مترجم است.

اینک پیشگفتار مؤلف یعنی استاد مینورسکی بر تعلیقات کتاب تذکرة الملوك :

• با کوتاهی مقال و سبک نامأنوس و منشیانه تذکرة الملوك، باز کتاب مذکور از لحاظ مطالعه در کیفیت سازمان اداری صفوی و اجده اهمیت بسیارست بدان حد که این کتاب از جمله کتب جالب سیاسی است که در میان آثار فارسی کم نظیر میباشد. تشریح و مطالعه تاریخ دوران اسلامی ایران که شامل سیزده قرن است هنوز مراحل بدوی و مقدماتی را طی میکند و این امرتها بسبب فقدان منابع مفید ادوار مختلفه نیست، بلکه بیشتر زائیده روش محدود تحقیق و تنگنایی کیفیت تجسس تبعی است که مدتهاست از آن پیروی میشود^(۱). مطالعه وقایع سیاسی و حوادث روزمره و ادبیات و مذهب و هنر بنوبه خود هر یک اهمیتی بسزادارند و یک پرده نقاشی اجتماع بطور کامل پرداخته و مجسم نمیکرد مگر آنگاه که مطالعه عمیقی از نظر عوامل نژادی و سوابق اقتصادی و سازمانهای اداری و تأثیرات آن عوامل در اجتماعات مربوط بدان بعمل آید. ازین لحاظ کتاب تذکرة الملوك که در ۱۷۲۶ میلادی (۱۱۳۷ هجری) تدوین شده است مأخذ و منبع پراهمیت و قابل توجهی است، زیرا موضوع این رساله حقایق و واقعیات متین و استوار سازمان حکومت است، در صورتیکه تواریخ و منابع دیگر بیان وقایع و حوادث مقصور و بیشتر بجهنگها و لشکر کشیها و تحریکات و عهود، بترتیب وقوع و بی هیچ تناسبی ناظرست.

(۱) بمقالة Les études historique et geographiques, sur la Perse.

در جلد دهم وقایع مشرق (Acta Orientalia) چاپ ۱۹۳۲ ص ۲۷۹ تا ۲۹۳ و جلد شانزدهم چاپ ۱۹۳۷ ص ۴۹ تا ۵۸ مراجعه کنید.

(سخنرانهای مند کور را نگارنده در کنگره بین المللی خاور شناسان

در لیدن سال ۱۹۳۱ و در روم سال ۱۹۳۶ ایراد کرده ام).

شائده

توجه نگارنده بکتاب تذکره الملوك و نسخه خطی آن اولین بار بسبب مطالعه مقاله دکتر ای. ادوار در شماره ۱۷ نوامبر ۱۹۲۴ نایمز که در آن جزئیاتی از نسخی که از کتابخانه سلطان عبدالحمید جدیداً بموزه بریتانیا نقل شده بود جلب گردید^(۱). در سال ۱۹۳۰ قسمت اعظم آنرا نسخه برداری کردم اما همه مفقود شد. در سال ۱۹۳۴ بار دوم از آن نسخه برداری کردم و شرح مطالعه خویش را در نوزدهمین کنفرانس بین المللی خاورشناسان منعقد در سال ۱۹۳۵ قرائت کردم^(۲). اما اشکالات کار پس از شروع ترجمه اصل فارسی بانگلیسی پیدا شد، در سراسر متن مزبور بسیاری اصطلاحات و عبارات فنی وجود داشت که کمک لغت نامه‌ها برای کشف کافی نبود و کاری بسزا از پیش نمی‌برد و معنی آن اصطلاحات تنها از فحوای جملات استنباط میشد و با عبارات دیگری مذکور در متون فارسی دوران صفوی و با مفاهیم و معانی مترادفی مسطور در منابع هم‌زمان اروپائی درک می‌گردید. بسا سبب شیهه نامانوس و ناهنجار مصنف که مناسب ترست آنرا زبان معما آمیز اداری نام نهم نیز مایه زمینگی و بریشانی خاطر میگشت (بضمیمه ۷ مراجعه کنید). در طرح مطالب بعضی آشفتگیها و بی ترتیبیها و نقص وجود داشت و عبارات مشابه معمولاً با جزئی اختلافات و اضافات آمده و با آنکه نسخه مزبور بخط خوش و شبوا برشته نگارش در آمده است، کاتب کار خود را بلا اراده و بدون توجه با املاء لغات و معنی عبارات انجام داده است. در بعضی موارد عبارات و مطالب متن مغشوس است، خصوصاً جداول بودجه که بسیار مهم و جالب می‌باشد در نظر اول معما گونه جلوه میکند.

(۱) در حقیقت فقط بر پشت جلد نسخه مزبور (که بهت شماره 9496 Or موزه بریتانیا ثبت است) نوشته شده: (و از آقای نهمان خریداری شد ۱۲ ژوئیه ۱۹۲۴).

(۲) بوقایع مشرق (Acta Orientalia) جلد شانزدهم چاپ ۱۹۳۷ ص ۵۵ تا ۵۸ مراجعه کنید.

(در چاپ فعلی^(۱)) از نسخه خطی عکس برداری و بمنظور تسهیل در بررسی نحوه ترجمه، ضمن متن انگلیسی محل آغاز و انجام مطالب صفحات نسخه اصلی را تعیین کردیم^(۲) و همچنین اصطلاحات و لغات فارسی را در ذیل صفحات آوردیم و در ترجمه حتی المقدور از شیوه خشک و اداری نسخه اصلی پیروی کردیم و عمداً از شرح و بیان مواضع مبهم اصلی مصنف خودداری کردیم. اصطلاحات مخصوص را یا به همراه لغات اصلی منتهی با حروف لاتین آوردیم و یا اینکه ابتدا ترجمه نکردیم و همان لغات فارسی را بکار بردیم و در اینحال معنی را در فهرست لغات بایان کتاب آوردیم^(۳).

ضمن تحقیق و ترجمه تذکره الملوك از هر فرصتی بمنظور یافتن عبارات و اصطلاحاتی برای ذکر مقال و مصداق مفاهیم مورد بحث خود از منابع همزمان این اثر استفاده کردیم و از آنجا که تعلیقات باید از ترتیب مطالب متن پیروی کنند چنین نظر رسید که در مقدمه بعضی مطالب کلی را در خصوص مسائل مربوط بسارمان اداری حکومت صفوی که در درجه اول اهمیت قرار دارد تشریح کنیم و باین ترتیب تقریباً کتاب مذکور^(۴) بصورت يك راهنمای کلی سازمان اداری حکومت صفوی درآمد^(۵).

از سال ۱۹۳۷ تا کنون (۶) نتیجه مطالعات گوناگون خود را در

(۱) منظور چاپ سال ۱۹۴۳ کمبریج است. (۲) این موضوع در چاپ تهران نیز رعایت شده است و منتهی چون نسخه بنسخه سعید آغار نسخه اصلی در حساب استاد میبوریسکی صفحه «اول الف» رعایت شده است و صفحه آغاز کتاب بعنوان «اول ب» و حال آنکه این صفحه اخیر در چاپ تهران «اول الف» بحساب آمده است الی آخر کتاب، لذا نسخه های چاپ تهران بدون علت با چاپ عکسی همه حساب این اختلاف حرنی را دارد، خواهندگان بدان وجه حواصداً فرمود. (۳) عبارتی از نسخه استاد میبوریسکی که پس از پلاستیک گرفته است مهید من انگلیسی یعنی چاپ ۱۹۴۵ کمبریج است و سابقه از لحاظ رعایت امات تمام معده ایشان را اینجا آوردیم و ذکر اینجا در اصل آن بود (۴) یعنی مجموعه «...» و تعلیقات در ورسکی بر ترجمه انگلیسی که عبارت از کتاب حاضر باشد (۵) اهمیت حد در حد است که نام کتاب حاضر را گرفته ایم (۶) یعنی سال ۱۹۳۳ که در چاپ شده است.

زمینه مسائل سازمانهای اجتماعی و سیاسی ایران منتشر ساختم ، کتاب حاضر نظرات و مطالعات مراد موضوع مورد بحث تخصص و یکجا گردآوری میکند ، در این اثر نه تنها از دقایق تخصص خویش در شرقشناسی بوجه احسن و کامل استفاده کرده ام بلکه دیگر معلومات و مطالعات و تجربیات شخصی را نیز بکار برده ام .

از شیوه معمول و مقرر نسخه برداری پیروی کرده ام ، گوا اینکه از بکار بستن دقایق و نکات ابتکاری و بکار بردن بعض تغییرات در شیوه مقرر و معهود ، که خواندن مطالب را طبق فارسی متداول ، آسانتر میکند متأسفم ، امید که دوستان ایرانی من از دیدن اینکه *bande-ye shomâ* بجای *banda - yi shumâ* نوشته شده است و *Sâhab* تلفظ میسود بجای *(Sâheb)* و *murâsele* مراسله (بکسر لام و هاء) بجای *morâsala* مراسله (بفتح لام و هاء) مراندان و بی اطلاع نبنگارند در مورد اغات ترکی که در متن مزبور بحد و فور وجود دارد سعی شده است تا تلفظ اصلی و وجود در ایران یعنی آنگونه که ترک زبانان ایرانی تلفظ میکنند (ند آنحنانه در استانول معمولست) نوشته شود .

این دوه من اتری است از آثار نگارنده که در زمره انتشارات اوفناف گیب منتشر میگردد ، خویشتن را بدین مناسبت عرض هون اعضاء هیات تدبیر ذواق گیب میدانم . از زحمات آقایان : و . هبفر و بسرائان و کارکنان خادخانه آنان متشکرم که در چاپ کتاب درین روز گذار سخت^(۱) و دسوار دهن بسیار مصروف داشته اند . بسیار شادم از اینکه میتوانم بدین وسیله مراتب تشکر و سپاس خویش را نسبت بدوستانم : خانم جدیك و آقای بونل سب و نجی که در مطالعه و بررسی مطالب کتاب برده اند و همچنین آقای دروسر استوری (Story) از لحاظ مطالعه و تصحیح هنگام چاپ ، تقدیم دارم . در سر من نیز نسخه استنساخی و کلمه مطالب ضمایم و مباحثات و دستورات سهاری را که در آنها داده شد تا به و فهرست نامها را تهیه کرد و بدون باری و بی

نورده

این کتاب هرگز بانجام نمیرسید. کمبریج ۱۲ اکتبر ۱۹۴۳ میلادی. «
پیشگفتار استاد مینورسکی بر کتاب تذکره الملوك اینجا پایان می پذیرد
و ما در چاپ کتاب حاضر تقسیمات کتاب او را دقیقاً پیروی کرده ایم و هیچ
تغییری در آن نداده، یعنی مقدمه کتاب را با همان عنوان - و حواشی و تعلیقات
را نیز بهمان ترتیب و نام گذارده ایم، تنها تغییر قابل ذکر یکی کردن فهرست
، مآخذ و منابع و تقسیم آن بدو بخش فهرست کتب فارسی و زبانهای لاتینی است
که آنهم محض سهولت کار خوانندگان فارسی زبان بوده است. آخرین سخن
گفتنی آنکه اخیراً متن فارسی کتابی بنام رساله فلکیه یا تاریخ عام سیاحت
که مربوط بدوره مغولست در آلمان طبع و نشر گردیده و اطلاعاتی گرانبها
راجع بمسائل مالی و دفاتر دیوان و اصطلاحات فنی مالی و مالیاتی دارد و
مکمل کتاب حاضر در این زمینه تواند بود، امید که توفیق چاپ آن با
تحقیقات و فپارس لازم در خود ایران دست دهد که عامه فارسی زبانان شائق
این گونه آثار بدان دسترسی توانند یافت .

تهران . اول بهن ماه ۱۳۳۴ خورشیدی

محمد دایر سیاقی

بیست
مقدمه مترجم

دوست مهربانم آقای محمد دبیرسیاقتی که همواره از دوران تحصیل در دانشگاه از خرمین دانش وی برخوردار گشته‌ام، نخستین بار نظر مرا باین اثر تحقیقی بسیار گرانبها جلب کردند و پس از مطالعه آن در بنام آمد که برادران فارسی زبان از چنین اثر شگرف و پرارج که در باره تاریخ تمدن کشورشانست محروم مانند.

در جشن هزاره بوعلی سینا (در اردیبهشت ۱۳۳۳) با استاد مینورسکی که در عداد مستشرقین شهر برای شرکت در کنگره تهران آمده بودند آشنائی حاصل کردم و در چند گرت مصاحبت که با این دانشمند ارجمند کردم، یادآور بعض نکات واجد اهمیت در شیوه جدید تحقیق شدند. از جمله اینکه دانشمند شرقشناس پتروشوسکی بمطالعه اسناد مالیاتی ایالات قفقاز موجود در بایگانیهای را کد دولتی مبادرت ورزید و براساس آن، تحقیقات نویسی کرد. این شیوه تحقیق که بوسیله او ابداع شد، مورد قبول بسیاری از محققان علم تاریخ واقع گشت. استاد مینورسکی نیز خود از جمله پیشروان این سبک است. وی میگفت که باید اساس تحقیقات تاریخی را بر پایه استوار و متین ارقام قرار داد و بر آن اساس، امور اجتماعی و سیاسی و اقتصادی هر دوره را بررسی کرد. الحق که استاد مینورسکی همچنانکه در مطالعه این کتاب ملاحظه خواهید فرمود، نیک از عهده برآمده و اثری ندیع بوجود آورده است.

در بابان مراتب تشکر و امتنان خویش را نسبت به استاد ارجمند آقای سعد نقیسی تقدیم میدارم. جد آن استاد همچنانکه سالیستة خوی داتس پروری و ادب دوستی ایشانست در کلمه موارد اعم از بوام دان منابع و مأخذ گرانها و روشن ساختن نکات تاریک و مبهم تاریخی و لغوی و ترجمه جملات لایس کمکهای ذیقیمت کردند و حمیری در بیخ نورزیدند. نیز از آقای محمد آسم که در ترجمه بعض از حواله لاسی و روسی و آلمانی یاریها کردند، سانسگزارم.

همچنانکه در آغاز یاد آور کردم، آقای محمد دسر سانی علاوه بر آمله را به اهمیت و ارزش این کتاب واقف ساختند. در تنقیح و تصحیح حادسی و تهیه فهرس بسیار دلفیق این کتاب نیز برهن دست دادند.

از خود اندگان محترم حواهمسند چنانچه حتماً راه ... در ترجمه این کتاب ملاحظه فرمایند، منترجم، آ آ کلاه و هم نیرن خود سازد.

مقدمه

II - منابع و مآخذ مربوط به تشکیلات اداری ایران

فصل اول - قلت منابع ایرانی .

فصل دوم - جهان گردان اروپائی :

جهان گردان زمان شاه عباس اول .

جهان گردان زمان پادشاهان اخیر صفوی : (دومان ؛ شاردن ؛

کمپفر ؛ سانسون ؛ لوبرن ؛ کارملیت و جز آنان) .

فصل سوم - تذکرة الملوك :

۱ - اوضاع مقارن زمان تألیف .

۲ - مندرجات کتاب .

II - توضیحات

الف - بنیان اجتماعی و اقتصادی حکومت صفوی :

۱ - شاه .

۲ - طبقات حاکمه .

۳ - طبقات میانه .

۴ - کارگران .

۵ - علل زوال دولت صفوی .

ب - مسائل مختص به تشکیلات حکومت :

۱ - ممالک و خاصه .

۲ - معافیتها ؛ مالیاتها و مستعربها .

۳ - بیوتات سلطنتی .

۴ - تشکیلات لشکری .

I - منابع و مآخذ مربوط به تشکیلات اداری ایران

فصل اول

قلت منابع ایرانی

اهمیت و امتیاز کتاب تذکره الملوک و موقعیت استثنائی آن میان منابع مربوط به دوران صفوی حتی مآخذ مربوط به ادوار عمومی ایران از توضیحاتی که ذیلاً می‌دهیم روشن می‌گردد:

در باره تشکیلات اداری کشور مصر چندین رساله ممتاز در دست داریم که «تعریف بالمصطلح الشریف» تألیف عماری (پس از سال ۷۴۰ هجری) و «صبح الاعشی» تألیف قلقشندی (متوفی سال ۸۲۰ هجری) از آن جمله است^(۱).

در باره تشکیلات اداری حکومت عثمانی نیز سلسله کتبی بنام «قانون نامه» موجود است^(۲) و هم در خصوص حکومت گورکانی هند کتاب «آئین اکبری» تألیف ابوالفضل علامی که بدقت و تفصیل تدوین گشته و خود قسمت سوم کتاب اکبرنامه^(۳) است وجود دارد.

اما نظیر این آثار در منابع فارسی مربوط به ایران نیست، «سیاست نامه» [منسوب به] خواجه نظام الملک که از مهمترین آثار زبان فارسی می‌باشد گویای سیاست و آداب ملک داری است نه همین واقعی تشکیلات اداری دولت ساجوقی و رساله مختصر خواجه نصیرالدین

۱ - رجوع کنید به: Politische Geographie des Mamlukenteichs تحت عنوان Staats handbücher تألیف R. Hartmann. در شماره ۷۰ ZDMG سال ۱۹۱۶ ص ۱ تا ۴۰ و ۴۷۷ تا ۵۱۱

۲ - رجوع کنید به:

Das Lehnwesen in den Moslemischen Staaten Leipzig, 1872, p. 55

(بر مبنای قوانین آل عثمان ۱۶۱۰ میلادی اثر عین علی) و قانون نامه سلطان محمد ثانی در:

Mitteilungen z. Osman Gesh. I/1, 1921 اثر Kraclitz - Greifenhorst

ص ۱ تا ۴۷ خصوصاً ۱۶ تا ۱۷

۳ - در: The Central Structure of the Mughal Empire, Oxford ۱۹۳۶, pp. 7-26

تألیف ابن حسن، این اثر مهم بنحو مطلوب منعکس شده است.

طوسی در باب مالیات بسیار ارزنده و ممتاز است اما دامنه بحث و موضوع آن محدود میباشد و حاوی هیچگونه آمار و شمار نیست^(۱). جامع التواریخ رشیدالدین فضل الله دورنمایی از اصلاحات غازان خانرا تجسم میدهد^(۲) ولی از دوایر و عواید و حقوقات و امثال آن گفتگویی ندارد اما «نزهة القلوب» حمدالله مستوفی (تألیف ۷۴۰) در مقام مقایسه با جامع التواریخ مختصات و امتیازاتی دارد زیرا در آن بتقسیمات جغرافیائی و مالیاتها و عواید دولتی و وضع اقتصادی کشور توجهی رفتند است^(۳). از اهمیت منابعی چون «التوسل الی الترسل»^(۴) و بخصوص «دستورالکتاب»^(۵) محمدبن هندوشاه نیازی نیست سخن بداریم منتهی چون این منابع بر آنند که عالیترین نمونه سبک منشیانه را بنمایند، لذا در بیان کامل مطالب و وقایع کوتاه آمده اند لقمه لقمه اندوخته و رقمدرقمه بهم دوخته و نقل کرده نتیجه تنها وسیله دست یافتن بچگونگی سازمان اداری دوران معینی از تاریخ ایران آن میشود که مطالبی را که جسته گریخته در منابع مختلف آمده است گرد آوریم و از آن مطالب پراکنده فعلی ترتیب دهیم. کتاب «ترکستان» بارتلد نمونه چنین روش دشوار منکی بر مطالب گردآوری شده از منابع بسیار است.

اما منابع و ماخذیکند از آنها سخن میداریم علاوه بر آنکه فراوان نیستند و منحصرند مؤید و مصدقی نیز ندارند چه تهاجمات بسیار و نقل و انتقال مکرر پایتختها مدارک و سوابق و اسناد دولتی را نابود کرده است.

جهات و دلایل فوق اهمیت و امتیاز رساله معتبری را که حاوی توضیحات منظم و کافی درباره سازمان اداری ایرانست و تذکره الملوک نام دارد روشن میسازد.

۱ - Minovi - Minorsky X/3, 1940 pp. 759-789 in BSOS

۲ - قسم سوم تاریخ غازان خان چاپ جاها من ص ۲۱۸

۳ - رجوع کنید بکتاب «وضع اقتصادی آناتولی در دوران مغول» تألیف زکی ولیدی

چاپ ۱۹۳۰ و بکتاب اخیر پتروشفسکی بنام: Il. Kazvini kak istochnik po sotsialno-ekonomicheskoy istorii Vostochno, Zakavkazya, in Izv. Akad. Nauk-S.S.S.R., (با برخی اشتباهات چاپی مربوط بلغات مشرق زمین) - 1937 No. 4, pp. 879-920

۴ - این کتاب در سلطنت (تکس) خوارزمشاه (سال ۵۸۲-۴ قمری) تدوین و بسال ۱۳۱۵ هجری شمسی در تهران چاپ شده است.

۵ - بنام سلطان اویس جلایر (۷۵۷ تا ۷۷۶) تحریر یافته و هامر Hammer در کتاب: Geschichte des Goldenen Horde, 1840 pp. 493-516 بتفصیل دستورالکتاب (تألیف ۷۵۹ یا ۷۶۰) را تشریح کرده است. (چاپ کردن کتاب هندوشاه از ضروریات است.)

فصل دوم

جهانگردان اروپائی

ناکتون دقیقترین و قابل اعتمادترین اطلاعات، از وضع حکومت صفوی و تشکیلات داخلی آن متکی بر منابع و آثار جهانگردان اروپائی با اروپائیان مقیم ایران بوده است. در ایضاح و تشریح تذکره العالموں نیز نخست باید بنوشته سیاحان نیمه آخر قرن هفدهم تکیه کرد اما سه گزارش موجود از زمان شاه عباس و شاه صفی را نیز در این مورد نباید از خطا دور داشت. کتاب موسوم به *Relaciones de Don Juan de Persia* چاپ والادید ۱۶۰۴ میلادی^(۱) را که بزبان اسپانیائی است منشی سفارت ایران اوروج بیگ بن سلطان علی بیگ پس از قبول مذهب کاتولیک املاء کرده است. هیأت سفارت در ۹ ژوئیه ۱۵۹۹ ظاهراً پیش از آنکه شاه عباس بزرگ اصلاحات نظامی خود را تکمیل کند ایران را ترک گفتند. اوروج بیگ که از قزلباش بود با غرور مخصوص از گزند شاهی تر کمن سخن میرانداها فهرستی که باتکاء حافظه از طواریف قزلباش میدهد مبهم و تصنعی است، قسمت دوم کتاب، سخنان دون ژوان را با اطلاعات مکتوب از منابع اروپائی (جیووانی بوترو *Giovani Botero*) درهم آمیخته است. سفرنامه (Viaggi) پیتر دلاواله (۱۶۱۷ تا ۱۶۲۷ میلادی) یکی از کتب بسیار نفیس مربوط بایران است. این کتاب چه از لحاظ نویسندگی و چه از نظر دقت بسیار و اسلوب عالی نقل کلمات به خط بیگانه (خط لاتین) و بخصوص فصول مربوط بنظام و روابط عشایر و ایلات و تغییراتی که باروی کار آمدن طبقه اشرافی جدید قفقازی (گرجیان) در ایران بوجود آمده جالب است.

۱ - در ۱۹۳۶ ترجمه انگلیسی آن توسط اسرناج بعد آمده و بعضی از منقولات املائی دون ژوان را تغییر داده است.

شرح بسیار جالبی در خصوص سلطنت شاه صفی از الئاریوس در دست داریم. الئاریوس (Olearius) بسمت منشی در معیت هیأت سفارت دولت هلشتاین^(۱) (۱۶۳۶ تا ۱۶۳۸ میلادی) بایران آمد. وی در باب عواید شاه اشاراتی در موارد معدود دارد و شرحی در باب ۱۹ نفر مأموران رسمی عالی‌رتبه و ۲۲ نفر مأموران غیرعالی رتبه نگاشته که اگرچه مفصل‌تر است اما درهم و آمیخته می‌باشد^(۲).

از گزارشهای دوران اخیر نیز فقط بدانها که حاوی شرح منظم و مرتبی از تشکیلات اداری صفوی باشد مراجعه خواهیم کرد. رافائل دومان^(۳) کشیش عالی‌رتبه در گزارشی که به کلبر وزیر اوقاف چهاردهم می‌دهد که در آن کایه اطلاعات و معاومات چهارده سال اقامت خود را در اصفهان تلخیص کرده است. نویسنده مذکور از برگزیده ترین دانشمندان مطلع و آشنا بزبان فارسی زمان خود محسوب می‌شود و شاه از وجود وی در مذاکرات مهم و حساس چون ترجمانی استفاده می‌کرده است. کتاب وی از آن جهت حائز اهمیت می‌باشد که اولاً ریخته قلم وردی شاهد و ناظر اوضاع و وقایعست و ثانیاً در آن از کایه موضوعات مربوط بایران بحثی رفته و اصطلاحات درست و دقیق بکار برده شده است. بسیاری از سیاحان از مهمان‌نوازی و پذیرایی گرم رافائل در همان بر خوردار و از یادداشت‌های

۱ - هلشتاین یکی از دول جزه آلمان، مجاور مرز کشور دانمارک است (مترجم).

۲ - Commentarios de la embajada تألیف دون گارسیا سیلوانی فیگوارا

(۱۶۱۸-۹) این کتاب نخست در سال ۱۶۰۳-۵ منتشر شد و از نظر ما مطلب سودمندی ندارد. این اصیلزاده اسپانیایی در توجیه منازل سفر و مراسم و تشریفات و مذاکرات رسمی بسیار دقیق است اما بنظر می‌رسد که میان لغت قورچی و واژه نو قولر تفاوتی نمی‌یابد. رجوع کنید بترجمه فرانسه Wicqford چاپ ۱۶۶۷ ص ۲۵۵: سر بوماس هربرت در کتاب Some years Travels (۹ - ۱۶۲۷) که اولین بار بسال ۱۶۳۴ چاپ و منتشر شده است بسته گریخته اشاراتی به قشون و عواید و پول رایج ایران می‌کند و این مطالب را از کتاب لائت Laet بنام: Persia seu regni persici status (Leyden ۱۶۳۳) اخذ کرده است. شیوه نگارش وی منکلف و معقد و آکنده بلغات مهجور است و نحوه ضبط لغات خارجی آن شگفت‌انگیز می‌باشد ملا Allaughwhoddaw «الله خدا» را نشان می‌دهد.

۳ - بسال ۱۶۱۳ مولود و بسال ۱۶۹۶ در اصفهان در گذشت و پنجاه و یکسال در ایران بزیست. گزارش وی بنام (Etat de la perse en ۱۶۶۰) بسال ۱۸۹۰ در پاریس ضمن سلسله انتشارات سفر Schefer چاپ شد. مطالب مربوط بوضع اداری ایران در صفحات ۱۴ تا ۴۲ و بطور براه کننده در صفحات دیگر بچشم می‌خورد.

وی نیز بهره‌مند گشته‌اند .

گزارش دیگر از آن شوالیه ژان شاردن فرانسوی پرستانی مذهب‌دیباشد. این اثر مشهور که در میان ماخذ مربوط بایران احراز مقامی ممتاز کرده است مبتنی بر مشاهداتی است که طی یازده سال اقامت در ایران بعمل آمده (۱).

شاردن ناظری نکته‌سنج و باریک بین و آشنا به معاملات و اطلاعات عصر خویش است ، وی با فکر بلند و نظر صائبی که در درك امور معضلی و مبهم ایران دارد و رغبتی که به موضوع مورد پژوهش خویش نشان میدهد از لحاظ قضاوت صحیح در امور سیاسی قابل ملاحظه است (۲) . اما شیوه نگارش و سبک تحریر شاردن در مقام سنجش با شخصیت بزرگ وی چندین مطلوب نیست. بعضی جملات صراحت و وضوح معمول به زبان فرانسه را ندارد و دریافتن نفع‌های که از آن فغان بدست میدهد دشوار است (۳) .

شاردن آخرین سالهای عمر خود را اینا در انگلستان (۱۶۸۱-۱۷۱۳) و یاد در خدمت انگلیسیان گذرانید و در تورنهام گرین Turnham Green در گذشت. در راهروی جناح جنوبی کلیسای اعظم وستمنستر لوحی است که عبارت -- Sir John Chardin « Nomen sibi fecit eunde » (کس وی را اهانت روا ندارد) بر آن نقر گردیده است.

۱ - از سال ۱۶۶۴ تا ۱۶۷۰ و از ۱۶۷۱ تا ۱۶۷۷ (جلد اول سفرنامه شاردن صفحات XXVI - XXVII مقدمه و جلد ششم ص ۸۶) . کتاب مذکور تا ۱۷۱۱ بطور کامل طبع نشده بود و بهترین چاپ آن طبع لانگله Langlet است که بسال ۱۸۱۱ در پاریس طی ده مجلد چاپ شده گوا اینکه برخی اصلاحات که توسط ناشرین در لغات زبانهای شرقی بعمل آمده باعث گمراهی گشته و فهرست اعلام آن نیز بسی ناقص است .

۲ - در سنجش با تعصب مذهبی و ملی کسانی چون دو مان .

۳ - شارپانتیه Charpentier آکادمیسین فرانسوی در کتابی بنام Carpentieriana چاپ پاریس ۱۷۲۴ ص ۳۷۱ ادعای افتخار آماده کردن سفرنامه شاردن را برای چاپ دارد و سبک او را چنین وصف میکند : «مضال پر ارزش و برگزیده شاردن جای بسی تأسف است که در قالب سبکی بس دشوار و اعیاناً نامطلوب ریخته شده است.» و لانگله در کتاب Biographie Universelle چاپ پاریس ۱۸۴۴ جلد هفتم، بحق شایستگی شاردن را مرهون این صفات میدانند : دقت در مشاهدات و تشریح مشاهدات بدانکشی ترین وجه .

دریغست که از اثر شاردن که گیبون Gibbon و منتسکیو^(۱) Montesquieu از آن الهام گرفته‌اند ترجمه کامل اینگلیسی موجود نیست، قسمتی از این کتاب که تحت نام « Sir J. Chardin's Travels in Persia » به چاپ رسیده است فقط حاوی شرح مسافرت های اوست اما توصیف عمومی کشور ایران را که در مجلدات چهار تا هشت لانگله موجود است ندارد و از نظر ما فصل « دولت ایران از لحاظ سیاسی و نظامی و اداری » حائز اهمیت بسیار می‌باشد و آثار قوای نظامی کشور و مناصب عالی و امور ارضی و مسائل مالی و قضا و جز آن نیز قابل توجه بسیار است^(۲) و اگر قلت صفحات و تنگی دامنه کتاب را می‌داشت بسیاری از مطالب شاردن را نقل می‌کردیم، با این حال برگزینی که از آن در تعلیقات و ضمائم کتاب آورده‌ایم مطالعه متن فارسی تذکره الملوک را بسی آسان خواهد ساخت. سومین اثر جالب Amœnitatum Exoticarum politico-physico-medicearum fasciculi V تألیف دانشمند آلمانی انگلبرت کمپفر (Engelbert Kaempfer) می‌باشد. کمپفر بسال ۱۶۸۴ همراه فابریکوس (L. Fabricius) سفیر سوئد بایران آمد و بعدها بسمت پزشک اسکادرون دریائی هلند مقیم سواحل خلیج فارس به خدمت پرداخت و جمعاً چهار سال در داخل یا مجاورت ایران بسر برد^(۳).

۱ - گیبون در کتاب The Rise and Fall (ترقی و انحطاط امپراطوری روم) فصل پنجاهم می‌گوید : شاردن جوهری و گوهرشناسی است بیننده از دریچه چشم يك فیلسوف، نه تنها دانشمندترین، بلکه باریک بین ترین و کنجکاوترین سیاح زمان ماست. و منتسکیو در روح القوانین چاپ ۱۷۴۹ در ص ۲۷ و ۲۰۹ و ۲۲۴ جلد اول و ص ۲۶ و غیره جلد دوم از سفر نامه شاردن نقل قول میکنند.

۲ - جلد پنجم صفحات ۲۰۵ تا ۵۰۰ و جلد ششم صفحات ۱ تا ۱۶۵

۳ - Allgemeine Deut. Biographie جلد پانزدهم چاپ ۱۸۸۲ در صفحات ۶۲ تا ۶۴ مینویسد : کمپفر بیشک از دانشمندترین مردان زمان خود یعنی سرآمد دانشمندان قرن هفدهم بود. کمپفر (متولد سال ۱۶۵۱) در ۳۰ مارس ۱۶۸۴ باصفهان رسید و ظاهراً آنجا را در نوامبر ۱۶۸۵ بقصد گمبرون (عباسی حالیه) ترک گفت (بیادداشت‌های خطی وی در موزه بریتانیا تحت شماره Sloane 2912, Fol. 20 a مراجعه کنید). وی قریب دو سال در گمبرون اقامت داشت و در ۱۶۸۸ بصوب باتاویا رهسپار گردید و در ۱۶۹۳ بوطن بازگشت و کتاب خود را بسال ۱۷۱۲ انتشار داد و بسال ۱۷۱۶ در گذشت. همشهریان وی مردم لمگو (Lemgo) مجسمه‌ای بیادگار او برپا ساختند. (به اثر کارل مایر لمگو Karl Meier Lemgo بنام : E. Kaempfer, der erste deutsche Forschungsreisende : چاپ اشتوتگارت ۱۹۳۷ ص ۱۹ تا ۹۴) که کتابیست برای مطالعه عامه از شرح مسافرت کمپفر در ایران) مراجعه کنید.

در کتاب گرانقدر و دقیق وی، صفحات ۶۰ تا ۱۴۳ مربوط به تشکیلات داخلی ایران و مناصب و مقامات عالی و افراد بروی نظامی و بودجه و غیره است. گرچه کمیتر زبان فارسی مجاوراتی را اندکی فرا گرفته بود اما از نحوه کتابت فارسی سفرنامه هر نور بر میآید که معلومات وی حتی در ۱۶۸۶ که بتحریر آن قسمت از کتاب که واسطه بموضوعات مذکور در فوق میباشد اشتغال داشته، کافی بوده است.^(۱) کمیتر از مهماندار سفارت در عداد کسانی که اطلاعاتی بوی داد اند یاد و نام قول میکند و یادداشت‌های مصووط وی در مورد بریتانیان می‌دهد که باچه اشیاق و ولعی آثار و احوال سیاحتان اروپائی پیش از خویش را گردآوری می‌کرده است.^(۲) یادداشتی که دوستان به کمیتر بدیم داشته است هموز در مجموعه نامه‌های کمیتر برجاست و احتمال قوی هرود که او از تقریرات دوست کشیش خود دومن نیز بهره‌ور شده باشد. در ۱۶۸۴ معلومات دوستان از وضع کشور ایران نسبت سال ۱۶۶۰ که «Estat de la Perse» گزارش خود را درباره وضع ایران نوشت سی افزایس یافته بود.^(۳)

- ۱ - Amoenitates ص ۶۷ بحس مروض یا ایران در کمرون تحریر یافته است در ص ۷۷ می‌نویسد هنگام اقامت در کمرون نوشته شد.
- ۲ - رجوع کنید به Sloane ۱۹۱۲ مورد بریتانیان ص ۷۰ الف و ب. Joan Cunaeus (۱۶۵۱) ص ۱۲۰ ب تحت عنوان Hubert de Laresse در جلد چهارم سفرنامه شاردن ص ۱۲۹ و غیره. برخی لغات که بدست کمیتر بلایی نقل شده است معلوم می‌دارد که باستانه اروپا بسجده خطی اروپائی بسجده برداری شده است چنانکه در ص ۸۰ Tesjikagasi بجای ایسیک آقاسی آمده (بعقد پنجم سفرنامه شاردن ص ۳۵۶ مراجعه کنید) و در ص ۴۸ همس الف را Iszth و در ص ۸۶ Tsj,behtsi را بجای (سالیجی) بوسه است و حال آنکه بحس اسناهای در بسجده برداری از متن فارسی روی بندهد استوب نقل کلمات فارسی بلاتس کمیتر ساخته خود او و تکلی با درست است.
- ۳ - در شماره Sloane 2908 مورد برمانیا بسجده‌ای دارای ۱۱ بسجده قطع برگ (متضمن یادداشتها باصافه چهار بسجده، قطع کوچکتر) در موضوع دستور زبان رکی (ملاحظه مسود و بسجده سوم آنرا احمامیه ایست بدین شرح
 جهت امتثال امر محض بسیار سهر آفای کمیتر ظیبت جادی از طرف دوست صدیق وی، D.D. (دکتر در علوم الهی) کیس (کدامی الاصل) دراصه‌ها نانتج ایران ۲۲ سناسر ۱۶۸۴ خدمتکار بسیار جهر وی و دوستان درسی هسمن سال امام ما
 کمیتر در کتاب خود بسجده ۲۲۱ می‌گوید که در زمره اعضاء سفارت مردی اصلیر اده نام پریسافوس بود که سبب مسولی فصائی در هیات سفارت عهده‌دار بوده و ابدک زمانی است که از روسیه بازگشته تا معالیه بر کها برود و باین منظور درجه من ماسی باوداده شده است

و خود را بطله‌ای بی کمبهر و شاردن که کتاب خویش را یکسال پیش از کتاب کمبهر منتشر ساخت قطعی نیست^(۱) و محتمل است که هر دو در مواردی خاص منابع و مطالبین واحد دسترسی داشته‌اند.

چهارمین اثر در خور بوجه آن عصر کتاب (وضع ایران کنونی) «Estat present de la Perse» تألیف پی سانسون P Sanson است.

مؤلف منظوم تنایع و بشر دین مسیح در ۱۶۸۳ مایران آمد، هفت ماه در فرزین و شش ماه در آشور سفلی بماند و بخوزستان سفری کرد و هشت ماه نزد اسف نابل اقامت کرد و چون او در گذشت باصفهان آمد و سه سال آنجا رحل اقامت افکند و تقریباً سمت همانندگی سیاسی یافت گوید «بدین سبب رخصت در آمدن بکاخ سلطنتی تحصیل کردم و در کلیه مواردی که شاه امر میداد حضور داشتم و به صیافتهای شاهانه فراخوانده میشدم». سانسون دیری پس از سال ۱۶۹۱ (که سال مذکور درص ۱۳۰ کتاب وی ذکر شده است) در ایران اقامت داشت و شاه سلیمان صفوی نامه‌ای برای به‌دیم سادشاه فراسه بدو داده مفاد نامه مربور او را بتحریر تجربات و مشاهدات خود واداشته است. کتاب کوچک سانسون دارای ۲۶۴ صفحه مطبع شاردن صفحه‌ایست و سال ۱۶۹۵ در پاریس چاپ شده است و اینکه سر Schfer در مقدمه کتاب در مان (ص ۱۰۶) می‌نویسد «اطلاعاتی پیش از آنچه در سفرنامه‌های تاوریه Tavernier و توو Thevenot و بندروس بدیک Bedros Bedik آمده است بدست نمیدهد»^(۲) دور از انصاف میباشد.

اگر دست‌نویس رسمی (سالنامه ایران) Almanac of Persia نگاه کنیم در گایه سفرنامه

۱ - بهر حال کمبهر از «تاجگذاری شاه سلیمان صفوی» آگاه بوده است. کتاب مایرلنگو ص ۱۸۵ مراجعه شود.

۲ - سفرنامه تاوریه از نظر سیاحت پرارز و از لحاظ عمق مشاهدات ابهام‌انگیز است. توو سیوه مطبوع و دقیقی دارد اما توف وی در ایران (میان سالهای ۱۶۶۴ تا ۱۶۸۷ که بدو اقامت و غیر موالی بوده) عدد کافی طول نکشیده است. بدیک مؤلف «چهل‌سوی» چاپ وین ۱۶۷۸ علاوه بر قالب مطالب (۴۷۴ صفحه باصمام ۶ صفحه مقدمه) بسیار سطحی و نمودار لحن یک تن مسیحی منعب مخالف اسلام میباشد (در مقاله دهم نوشته است فرآن کتابست بر افسانه و ناراست) این سه نوشته اطلاعات ناچیزی از تسکیلات اداری ایران بدست میدهند.

های اروپائیان بعضی مطالب کلی راجع تشکیلات اداری ایران می‌یابیم. اما سانسون مشاهدات شخصی خویش را مفصلاً شرح می‌دهد و بطور کلی در ذریک سازمان اداری من باب مثل از کسانی چون تاورنیه بسیار بهتر است.

مؤلف دیگری را بر این چهار مؤلف باید افزود. و اولوبرن (C. Le Brun) هلندی است که از ۱۷۰۳ تا ۱۷۰۴ میلادی در ایران اقامت داشته و بوی اجازه داده شده بود که از شاه تصویری تهیه کند^(۱). و چون مردی دقیق و نکته‌سنج و باریک‌بین و ذریک بوده برخی نکات دقیق و جالب راجع بشاه و صاحبان عناصیب درباری و پول رایج ایران و جز آن بیان داشته است.

اخیراً نیز بر منابع اروپائی راجع بدوران سلطنت صفویه اثر دیگری بنام «یادداشت‌های روزانه کشیشان کارمیت در ایران» *The Chronicle of the Carmelites in Persia* چاپ ۱۹۳۹ افزوده شده است. این اثر مفصل که بقطع چهار ورقی و دارای ۱۳۷۶ صفحه میباشد مطالعه دقیق و مفصلی است از مجموعه اسناد کشیشان کارمیت در طول سالهای ۱۵۸۵ تا ۱۸۰۶. نویسنده گمنام این اثر در خور تحسین و سزاوار تقدیر است اما دامنه بحث آن کوتاه و تأثیر حوادث و وقایع جهان خارج در محیط آرام مبالغین مذکور بسیار نیست و این گروه را با اصطلاح دستی از دور بر آتش بوده است^(۲). خلاصه با آنکه در سراسر روایت مذکور حقایق جالبی پراکنده است اما هیچگونه اطلاعات منظم و مرتب شبیه آنچه در منابع فوق بیان داشتیم ندارد.

۱ - بصفحه ۲۶۵ سفرنامه وی (ترجمه انگلیسی مورخ ۱۷۵۹) مراجعه کنید.

۲ - صفحات بسیاری بنگارش چگونگی اشرف کودکان مسلمان مشرف بموت بمذهب مسیح و مباحثه با فرق ارمنی اختصاص داده شده است.

فصل سوم تذکره المملوک

۱ - اوضاع مقارن زمان تألیف

مهمترین حادثه پادشاهی آخرین شاه دودمان صفوی شاه سلطان حسین سلسله وقایع ناگوار است که در مجاورت مرزهای شرقی ایران رخ داد. در ۱۱۱۸ هجری قمری برابر ۱۷۰۶ میلادی افغانان غلجانی قندهار^(۱) شهنوازخان بیکری یکی آن شهر را کشتند و برادرزاده وی خسروخان نیز بهمین گونه در ۱۱۲۳ هجری برابر ۱۷۱۱ میلادی به قتل رسید و محمدزمان خان قورچی باشی نیز در مشهد هنگامیکه مشغول لشکرکشی بجانب مشرق بود در گذشت و جانشین او جعفر قلیخان حاتمی بدست افغانان ابدالی هرات، که بیکری یکی مشهد منصورخان شاهسون را نیز شکست دادند کشته شد. فرمانده کل جدید فتحعلیخان ترکمن پس از یک سلسله کامیابی و فتح زودگذر بدست ابدالیها بقتل آمد و ایل مزبور برای محاصره مشهد حرکت کرد. در این هنگام صفی قلیخان ترکستان (۲) اقلی بخراسان گسیل شد و تهاجم ازبکانرا بسال ۱۱۲۹ هجری برابر ۱۷۱۹ میلادی با موفقیت دفع کرد ولی سرانجام از ابدالیان شکست یافت و در جنگ کشته شد. هیچ نمری از درنگ بسیار شاه در قزوین و تهران حاصل نگشت (از ۱۱۲۹ تا ۱۱۳۳ برابر ۱۷۱۹ تا ۱۷۲۱) و بجای فرستادن افراد بخراسان، فتحعلیخان داغستانی وزیر اعظم خویش را معزول ساخت و میل در چشم جهان بینش کشید و اموالش را ضبط کرد، بناچار سیاه دیگری بسر کردگی اسماعیلخان خانه زاد که مردی بی لیاقت بود آماده گشت ولی این مرد بدون احراز موفقیتی در اغتشاشی که بروز کرد بر اثر حمله نجبا و اشراف مشهد در دهم محرم ۱۱۳۵ برابر ۲۳ اکتبر ۱۷۲۲ رانده شد.

۱ - درباره احتمال قرابت و بستگی با ایل خلیج ترک نژاد رجوع کنید بمقاله نگارنده

در ۲۹ ربیع الاول ۱۱۳۳ برابر با ۲۸ ژانویه ۱۷۲۱ شاه بیایتهخت بازگشت و پیش از اختتام سال در ۲۲ اکتبر ۱۷۲۱ خبر تسلیم کرمان به محمود غلجایی واصل گردید و در ۱۹ جمادی الاولی سال ۱۱۳۴ برابر ۶ مارس ۱۷۲۲ در جنگی که در حوالی اصفهان رخ داد در باربان شاه شکست یافتند، هفت ماه در بندان شهر آغاز گشت قحط و غلای و حشت را که بتفصیل و دقت هر چه تمامتر توسط شهود عینی نقل شده است^(۱) جان مردم اصفهان را بلب رسانید تا در ۱۱ محرم ۱۱۳۵ برابر ۲۳ اکتبر ۱۷۲۲ شاه سست عنصر و ضعیف الاراده و ناتوان باملازمان باردوی افغانان واقع در فرج آباد رفت و تاج از تارک بر گرفت و پسر محمود که یکی از کمترین حکام دست نشانده سابق خود بود گذارد و بدین طریق دستگاہ با عظمت سلطنت صفوی ناگهان چنین ننگین پزبان یافت^(۲).

غاجایان که تا آن گاه جز در عداد رئیس قبیله وایل چیزی شمرده نمیشدند و همه وقت تحت فرمان بیکلر بیکی میزبستند سخت هوینداست که برای احراز و اجرای مقامات و وظائف جدید خویش هیچگونه آمدگی نداشتند. چه کشور باستانی و پهناروی که تحت فرمان آنان در آمده بود سنن اداری دیرینه داشت و فزون از دروست سال مذهب تشیع در آن نفوذ کرده و اقامتگاه نژادهای بسیار شده بود و از اینهمه در قندهار جز تصور بی مبهم چیزی دریافتہ نمیشد. بدست آوردندگان تخت و تاج صفوی نیاز فراوان داشتند که اطلاعات و معلومات قبل استفادتی از کیفیت اداره سازمانی که برخلاف انتظار و تصور، تصرف کرده بودند بچنان آورد و همین نیاز موجب تحریر و بوجود آمدن کتاب تذکره الماوک گشت، کتابی حاوی اطلاعات و دستورالعمل های لازم برای روشن ساختن ذهن نیمه وحشیان مهاجم. مؤلف گمنام کتاب مینویسد این کتاب را «حسب الامر اعلیٰ»^(۳) نوشته است. تاریخ تدوین رساله از بیسان وضع پول کشور بصراحت معلوم

۱ - زبدة التواریخ ص ۲۰۷ ب و ۲۰۸ ب بنصیح کروژینسکی Krusinski و پطروس

دی سارگیس کیلاننتس Petros di Sargis Gilancats چاپ باتکانو Patkanov ۱۸۷۰

۲ - به زبدة التواریخ و شرح بسیار کامل هانوی Hanway چاپ ۱۷۵۳ جلد سوم ص

۱ تا ۲۵۵ نگاه کنید.

۳ - همچنین در صفحه عکسی ۱۰۷ ب (ص ۷۲ چاپ تهران) مؤلف چنین میگوید:

«... بدین موجب بعرض عرض میرساند».

میگردد: اولین یاشی و سردستۀ مهاجمین «شاه محمود» در شعبان ۱۱۳۷ برابر آوریل یا مه ۱۷۲۵ کشته شده است و مؤلف از وی چنان یاد میکند که قتل او را معلوم میدارد (ص عکسی ۳۹ الف و ص ۲۴ چاپ تهران) پس رسالۀ «بطریق اجمال و استعجال»^(۱) گرد آمده بدون تردید برادرزاده و جانشین شاه محمود، اشرف افغان (۱۱۳۷ تا ۱۱۴۲) برابر ۱۷۲۵ تا ۱۷۲۹) تقدیم گردیده است. صفحات پرتذهیب و تزیین آغاز کتاب و خط خوش کتاب نشان میدهد که نسخۀ مورد بحث همان نسخۀ اصلی است^(۲).

تشکیلات مرکزی اداری ایران بر اثر محاصره ممتد و قیحط و غلای بکلی از هم یاشیده بود و نویسندۀ در شرح و بیان دستگاه دولتی یا ادارات حکومتی فعلی ماضی بکار میبرد و میگوید که هیچیک از محررین کردان دوائر متعدد فی الحال وجود ندارند (ص عکسی ۲۹ ب و ۴۰ ب و ۶۸ الف و ۶۹ الف و صفحات ۱۷ و ۲۴ و ۴۳ چاپ تهران) و برخی شهرها اطاعت نکرده اند (۳۹ الف عکسی و ص ۲۳ تهران) و بآبادانی و آسایش عصر صفوی اشاره میکند (ص ۳۹ ب عکسی و ص ۲۴ تهران). بدیهی است که از شاهان سلف با احتیاط تمام نام میبرد و با محافظه کاری یاد میکند (ص ۳۸ الف، ص ۲۳ تهران: «شاه سابق») ولی احساسات او را در خلال برخی عبارات که بلااراده از قلمش ریخته است مانند «سلاطین خلافت مکین» (ص ۳۵ الف، ص ۲۱ تهران) میتوان دریافت. اشاره کوچکی در کتاب آمده است که اگر نماینده نسبت خانوادگی مؤلف نباشد، دست کم روابط اجتماعی و براروشن میسازد، وی نسبت بخاندان پرنفوذ مجلسی عداوت میورزیده و برای آقا جمال خوانساری قائل بارجحیت بوده است (ص عکسی ۲ ب، ص ۱ تهران).
نویسنده در همه امور اداری عصر صفوی تبصر کامل داشته و از منابع رسمی^(۳)

۱ - ص ۱ چاپ تهران.

۲ - ظاهراً منظور استاد مینورسکی نسخۀ تهیه شده برای کتابخانۀ سلطنتی باید باشد نه نسخۀ اصلی مؤلف، چه اغلاط کتاب چنانکه در آئینده خواهیم دید دلیل عدم تعلق نسخۀ بمؤلف اصلی است. م. د.

۳ - سررشته مهرداد سابق (ص عکسی ۴۱ الف، ص ۲۵ تهران) و نسخۀ رسومات (ص ۸۷ ب، ص ۵۴ تهران) و صاحب توجیه سابق (ص ۸۹ الف، ص ۵۶ تهران) و مشرفان بیوتات (ص ۸۹ الف، ص ۵۶ تهران).

استفاده کرده است و گاهگاه به بیان مطالبی میپردازد که میرساند ظاهراً از خاطرات خود وی یا از مساعلی که شنیده است باید باشد مانند توضیح شغل ملاباشیگری (ص عکسی ۳ الف، ۱ تهران) و تشریح کیفیت عیار مسکوکات (ص ۳۸ الف، ص ۲۳ تهران) و غیره و از آنجا که در موضوع اخیر بتفصیل سخن رانده هویداست که با دوائر مالی سروکار داشته و یحتمل در ضرابخانه او را شغلی بوده است.

۴ - مطالب تذکرة الملوك

آناردو همان وشاردن و کمبر و سانسون و لوهرن اطلاعات گرانبهایی از امور اداری ایران در قرن هفدهم میلادی بدست میدهد و برای درک مطالب تذکرة الملوك مضامین آنان بسیار پر ارزش است، چنانکه تذکرة الملوك نیز برای سنجش دقت جهانگردان اروپایی وسیله مطابقت است اما ارزش استفاده از يك رساله فارسی بر آنار مشابه فرنگی مذکور در فوق بسی برتری دارد چه در آنحال که منابع فرنگی بشرح و توصیف تنها قناعت میورزند، تذکرة الملوك جزئیات دقیق هر بوط به تصدیق ایرانی را بیان میدارد. دستور العمل مختصر مورد بحث ما واجد مطالب بسیاری است (بفصل مربوط بمعیر الممالك و ضرابخانه و دو واجب و جز آن مراجعه کنید) که در جای دیگر نمیتوان یافت و آنچه بیشتر جاب نظر میکند آمار و شماری است که از مواجب و نیروی نظامی موجود در شهرستانها و در آمد و هزینه بدست میدهد. چنین مطالب بیشتر جزء امور محرمانه تلفی میشده و اینک که نسخه خطی این کتاب که بدان اشاره کردیم در کتابخانه یکی از سلاطین عثمانی یافت شده است بیشتر جاب توجه میکند و احتمال دارد سفیر یا مقام صاحب قدرتی نظیر سفیر، نسخه گرانبهای خطی را برای منظور های عملی و فوری و فایده گیری نظری و عامی از يك کشور همسایه بدست آورده باشد. تقسیمات رساله کاملاً متابعت نشده است، مؤلف در مقدمه مختصر خویش میگوید که کتاب وی مشتمل است بر چهار باب و يك خاتمه و حال آنکه کتاب پنج باب دارد^(۱) و خاتمه که بقول مؤلف سه مقاله میشود دارای دو مقاله است که مقاله اخیر در جزء دارد^(۲).

۱ - ظاهراً سهواً القلم استاد میورسکی است چه مؤلف در مقدمه (ص عکس ۱ ب

و ص ۱ حاب تهران) میگوید کتاب «محموی است بر پنج باب و خاتمه». م. د.

۲ - در این مورد اگر چه حق با استاد میورسکی است ولی ظاهراً آنست که جزء دوم

مقاله دوم همان مقاله سوم مذکور در مقدمه کتاب باشد بخصوص که جای دو کلمه «مقاله سوم»

در متن کتاب (ص عکس ۱۲۲ ب) سه عدد است و مادر جاب تهران (ص ۸۷) میان جاب آورده ایم. م. د.

طرح تقسیمات کتاب تذکرة الملوك بقرار ذیل است :
مقدمه .

باب اول - در بیان مقامات مذهبی مشتمل بر پنج فصل .

باب دوم - در بیان 'امراء سرحدات' یعنی حکام استانهای بزرگ یا ممالک مشتمل بر فهرست چهارده امیر معظم مقیم پایتخت دارای عنوان « عالیجاء » و غالب آنان عضو شورای سلطنتی .

باب سوم - در بیان مقامات « مقرب » منقسم بدو بخش :

اول « مقرب الخاقان » مشتمل بر خواجه سرایان و هشت سمت غیر نظامی .
دوم « مقرب الحضرت » که خود بدو بخش گردد: چهار سمت متعلق بمتصدیان تشریفات و دربانان - هجده سمت متعلق بر رؤسای بیوتات مختلف (کارگاهها و دوائر) دستگاه سلطنت .

باب چهارم - در بیان متصدیان امور مالی :

مقاله اول در باب وظایف دستیاران بسیار نزدیک ناظر بیوتات (باب دوم فصل ۶). این دستیاران عبارتند از سه فروزیر و مستوفی و مشرف بیوتات سلطنتی. مقاله دوم در شرح هجده سمت مهم دولتی هم پایه و مرتبط با یکدیگر (مانند وزیر اعظم و فرماندهان سپاههای چهارگانه تشکیل دهنده قشون کل و غیره) .

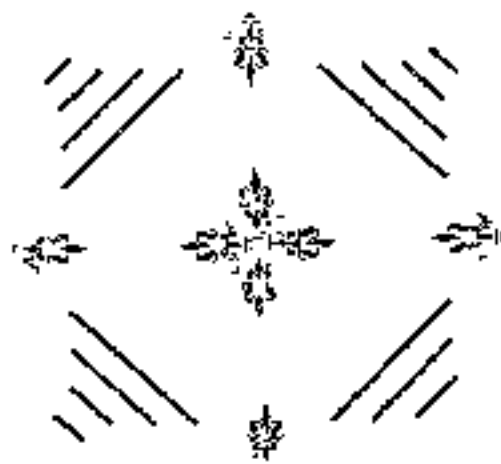
باب پنجم - حاوی شرح وظایف عمال چهارده گانه بخصوص امور پایتخت و شهرستانها.

از اختصار مطالب این باب برمیآید که هم نویسنده بیشتر مصروف تشریح دستگاه مرکزی حکومت است و راجع بتشکیلات شهرستانها در مقدمه باب اول برخی مطالب مختصراً مذکور باشند، گرچه تا حدی این نقص با افزودن ضاممی که درخاند آورده و از مهمترین قسمتهای کتابست برطرف گردیده است. ضامم مزبور بقرار ذیل است :

مقاله اول حاوی کیفیت تربیت بسیار پیچیده و مشکل مستوریهای هشتاد نفر مصادر امور مالی فهرست این مقاله از احاطه سنخس و نکته یل اطلاعات مندرج در پنج باب کتاب سودمند است .

مقاله دوم از آن رو که فهرستی دقیق از حکام ولایات و مبلغ مستمری و تعداد ملازمان آنان دارد بسیار مهم می‌باشد.

مقاله سوم بودجه حکومتی صفوی‌ها را جدول بندی کرده، نخست در آمد و سپس هزینه‌ها را مشخص داشته است. این جدول گرچه تا حدی مبهم است اما از نظر مطالعه اقتصادیات ایران اهمیت بسزا دارند.



II توضیحات

الف - بنیان اجتماعی و اقتصادی حکومت صفوی

تا همه منابع موجود بررسی شود و مطالبی نظیر مطالب تذکره الملوك كشف نگردد نمیتوان اوضاع و احوال اجتماعی و اقتصادی دوران صفوی را بر پایه استوار و اساس متین اطلاعات دقیق و صحیح بنا کرد، این کار را محققان نسل آینده باید انجام دهند؛ در اینجا مافقط نتایج، حتی اثرات حاصله از مطالعه تذکره الملوك و منابع همزمان او را بطور آزمایش و من باب کسب تجربه گرد می آوریم. بدیهی است اجتماع را باید هرم آسا از پایه و قاعده یعنی از طبقات فرودست مورد بررسی قرارداد، اما از آنجا که این قسمت از مطالعه ماچندان واضح و روشن نیست ناگزیر از رأس هرم آغاز میکنیم:

۱ - شاه - کافی نیست که حکومت صفویه را سلطنتی روحانی بدانیم چه جامعه

نخستین مسلمان در مدینه فی المنل حکومتی روحانی داشت و حضرت محمد بن عبدالله رسولی بود پیام گزار خداوند، در حالیکه شاه اسماعیل صفوی و پدران وی پشتاپشت خویشتر را نجلی گه و مظهر زنده خداوند تبارک و تعالی میدانستند^(۱) بدین جهت آنان را باید با پیشوایان فرق افراطی شیعه همچون اسماعیلیه و نصیریه و دروزیه قیاس کرد و بس. و تفاوت مردم مکه و اردبیل را تقریباً همانند تفاوت مردم زنو معتقد کالون بسا معتقدین دالای لامای شهر لهابسا دانست.

در حدود سال نهصد هجری قدرت سلطنت در ایران اوج گرفت و بعد عظمت دوران ساسانیان و مغان رسید تا آنجا که اروپائیان معاصر از امتیازات فوق بشری شاهان (با اینکه از سرچشمه و اساس این عقاید و افکار بهیچوجه خیری نداشتند) اطلاعاتی یافته

۱ - بمقالة خطائی بقلم مینورسکی در دائره المعارف اسلامی و اشعار شاه اسماعیل

در: BSOSX/4 و 1942 pp. 1006-52

نگاه کنید. دیوان شاه اسماعیل ثابت و مدلل مندرک که سراینده خویشتر را خدای مجسم می پندارد.

بودند. يك و پسی معاصر شاه اسماعیل اظهار میدارد: سکنه کشور و درباریان ویرا (شاهرا) چون پیغامبری پرستش کنند^(۱). بازرگانی و پسی در تبریز حدود سال ۹۲۴ اظهار میدارد: « مردم این صوفی را همچون خدا دوست دارند و احترام کنند بویژه سر بازان، تا آنجا که بسیاری بی ساز و برگ و سلاح جنگ بکارزار درشوند و بر آنند که مولایشان اسماعیل در پیکار بحر استشان خواهد خواست ».

فرستاده و پسی د'الساندری d'Alessandri (۱۵۷۱ م.) همین مطلب را درباره شاه طهماسب تأیید کند و گوید: « اورا بجهت نسبت باعلی (ع) نه همچون شاه، بل بمثابة خدا پرستش کنند^(۲) ».

شاردن در جلد پنجم سفرنامه ص ۲۳۳ اطاعت محض ایرانیانرا از شاه در همه امور ناشی از آن میداند که معتقدند: « کلام خداست که بر زبان وی میگردد^(۳) ». و هنگامیکه وی از سود سرشار حاصله از توزیع غذای باز پس مانده سفره شاه بوسیله توشمال باشی (ص ۵۷ تذکره الملوك چاپ تهران) در جلد پنجم ص ۳۵۰ سفرنامه سخن میدارد، میگوید این نتیجه اعتقاد ایرانیانست بجنیه فوق بشری شاهان خویش، هر چه را بسایه متراک شمارهاند، دست اورا آثار نیکی است که شفای بیماران از آن جمله است

۱ - دکتر Ruta در: La vita del Sophi: حاب و پسی سال ۱۵۰۸ میلادی. ترجمه فرانسه کتاب دومان ص ۲۶۴ از سلسله انتشارات شهر. م. سانوتو در جلد چهارم ص ۱۹۱ کتاب خود (دسامبر ۱۵۰۱) گوید: « او (اسماعیل) میگوید که بدوم بر من سمت پدوی نداشت بلکه غلام من بود. و نیز گوید که من خدا هستم. »

۲ - Hakluyt Society 1873 II, p. 266, 223.

۳ - باحسن التوارینخ ص ۱۵۲ بنگرید. اینجا مطلبی است واجع باعدام حاکم شیراز. سانسون در جلد سوم ص ۱۳۹ داسان دیوان یکی مأمور سر بریدن دوست خود قورچی باشی را نقل میکند: پس از ابلاغ فرمان شاه قورچی باشی « سلطانرا از خداوند عمر دراز خواست و هیچگونه شکایتی از سر نوشت شوم خویش ابراز نداشت » سانسون در ص ۱۳۶ چنین نتیجه میگیرد که « ایرانیان چنان بدل قوی و ایمان درست به حقانیت شاهزاده خویش معتقدند که فرمانهای اورا وحی منزل می پندارند ». - (گمان دارم این عبارت اشارت به « ارباب الدول ملهمون » باشد منوچهری گوید: خسروی تودل نورا همنای تو کند. م. د.)

که فی‌المتل بخوردنیها و آشامیدنیها و جز آنان منتقل شود^(۱).

باعث اشاعهٔ این طرز تفکر و اعتقاد مذهبی بشاه، قبایل نیمه بیابانی ترکمن بودند که عاقبت خاندان صفوی را بتاج و تخت رسانیدند^(۲) چون اختلافات ابن حارسان و نگهبانان تاج و تخت موجب تزلزل پایه و اساس حکومت میگشت، بیشتر قدرت سلطنت مصروف مبارزه با این پشیمانان آغاز کار گردید و شاه عباس بکمک غلامان جدید خویش توفیق یافت که آنانرا متلاشی سازد و غلامان جدیداً لباگر جیان و دیگر قفقازیان جدید - الاسلام بودند. تشویق و تحریک احساسات مذهبی ایل شاهسون^(۳) که در سلطنت شاه طهماسب بسیار بود در عهد شاهان اخیر صفوی بکاهش گرائید و شاه عباس بانکاء وضع مسنحکم و نیروی خویش از قدرت غالب حکومتهای موروئی گیلان و مازندران و لرستان و غیره کاست و ارتداد از صراط مستقیم دین که در عصر ملوک الطوائفی و ایلاتی بسیار رواج داشت از این پس بمحافظین صوفی (قزلباش) منحصر گشت. سانسون که در سالهای آخر دوران سلطنت شاه سلیمان مقیم ایران بود در ص ۴۱ کتاب خود گوید: « صوفیان که از این پست حرمنی خاص داشتند، اکنون گرایندهٔ پستی گشته‌اند... و جز بمشاعل باربری و مهتری و نستقچیکری بکاری برتر گمارده نشوند. » (بهمان کتاب ص ۱۰۲ نیز مراجعه شود). در حکومت آخرین پادشاه صفوی مذهب رسمی بصورتی ساده آنچنانکه مجتهدین کم عمق مذهب تشیع نهاده بودند در آمد.

ایجاد قشون جدید که مستقیماً متکی بشاه بود مسألهٔ نگاهداری آنانرا از لحاظ

۱ - به فیگوارا ص ۳۲۴ بنگرید. اینجا سخن از زنیست که با ناول مر بای ارسالی شاه جهت سفیر اسپانی شفا یافت. در ایران این اعمال را معانی عمیق تر و روشن تر از نظایر آن در اروپا است، این اعمال در آنجا ناشی از افکاری است بس نارسا: میان سالهای ۱۶۶۰ و ۱۶۶۴ میلادی شارل دوم پادشاه انگلیس بیست و سه هزار بن مردم مبتلی بخنازیر را مس کرد (رجوع کنید بکتاب مارك بلوش - Marc Bloch بنام شاهان معجزه نما - Les rois thaumaturges حاکم اسنراسبورگ سال ۱۹۲۴ ص ۳۷۷. در همین کتاب ص ۱۳۲ آگهی رسمی مورخ ۱۶۵۷ پاریس چنین میگوید: با اطلاع همهٔ علائمندان میرساند یکشنبه آینده که مصادف با عید دام است اعلی حضرت هایونی بیمار ان مبتلی به خنازیر را مس خواهند فرمود.)

۲ - بضمیمهٔ دوم مراجعه کنید.

۳ - بمقالهٔ شاهسون بعلم مینورسکی در دائره المعارف اسلامی EI نگاه کنید.

مالی پیش آورد برای حفظ استقلالی که پس از مبارزات بسیار حاصل آمده بود پادشاهان کوشش خویش را صرف انباشتن خزانة خصوصی کردند و اگرچه اصولاً اراضی بشاه متعلق بود^(۱) اما در عمل اختلاف بین دیوان و خاصه (بکتاب حاضر مراجعه شود) هر روز روی بفرونی داشت. شاهان خواستار جمع مال و تیول بودند و بدین سبب املاک ایشان در نواحی مختلفه کشور افزایش گرفت، حکومت خان‌خانی و عشیرتی و سلسله های محلی رخت از میان بر بست و حکومت مرکزی با قدرت روز افزون جایگزین همه آنان گشت و خرده مالکی جای باندیشه وراثت و خالصه فردی داد، سلاطین آن زمان بزرگترین سرمایداران بشمار می آمدند و جنس و کالا در بیوتات خویش گرد می آوردند و بجلب بازرگانان اروپائی و معاشرت با آنان میپرداختند و از رعایای ارمنی خویش چون راهنما و نماینده فروش کالای عمده صادرانی خود یعنی ایریشم استفاده میبردند. جزئیات این جریان هنوز مجهول و تاریک است ولی تفاوت عظیم آغاز و انجام سلطنت صفوی چشم را میزند، شاه عباس اول نقطه آغاز این تحول حکومت خاننی و عشیرتی بسطنت موروثی و مطلقه بشمار است، اما با اینکه آن سلسله جنبانی که اتحاد و همبستگی حکومت صفوی را در آغاز کار موجب بود، دیگر اعتبار و رونقی نداشت، عامل جدید نیز که از خود خواهی سرچشمه میگرفت برانگیختن اشتیاق و احساسات کس قادر نبود بدین علت هنگامیکه کشور با هجوم یانگیان روبرو گردید بر اثر فقدان همبستگی و اتحاد اجتماعی، حکومت خود بخود از هم پاشیده شد.

۴ - طبقات حاکمه - در مقالتهی خاص (ضمیمه دوم) اساس و بنیاد «طبقه واحدی» را که با تبلیغات خاندان صفوی پدید آمد مورد مطالعه قرار خواهیم داد. اینجا فقط بتحوالات این طبقه حاکمه بر طبق تحقیقات جدیدی که شده است توجه داریم. چنین بنظر میرسد که بفهرست بسیار گرانبهای شانغلین مقامات عالی تشکیلات اداری حکومت صفوی در عهد شاه طهماسب (۹۳۰ تا ۹۸۴) (۱۵۲۴ تا ۱۵۷۶ م)^(۷) مندرج در عالم آرا (ص ۱۰۴ تا ۱۲۴) و در زمان شاه عباس اول (۹۸۹ تا ۱۰۳۸) (۱۵۸۷ تا ۱۶۲۹ م) در همان

۱ - بضمیمه سوم مراجعه کنید.

۲ - درباره آغاز کار سلسله صفوی بضمیمه دوم نگاه کنید.

کتاب (ص ۷۶۱ تا ۷۶۷) و راجع بساطنت شاه صفی (۱۰۳۸ تا ۱۰۵۲) (۱۶۲۹ تا ۱۶۴۲ م) در خلد برین (ص عکسی ۱۳۷ تا ۱۵۸ ب = ۲۵۱ تا ۲۹۹ متن چاپی) کس توجهی نکرده است.

در زمان شاه طهماسب امراء بر حسب ایل و قبیله‌یی که بدان منتسب بودند مشخص می‌گشتند. ایلات ترکمن که مقدم بر دیگران بودند عبارت بودند از: شاملو و استاجلو و ترکمن و روملو و ذوالقدر (ذوالقدر [بکسر دال] ^(۱)) و افشار و قاجار و تکلو و خنسلو (بکسر اول و دوم) ^(۲). بر این نه ایل جغتای را که ظاهراً از قبایل ترک مغول یا خاندانی است از آسیای مرکزی (که غالباً بخراسان اطلاق می‌شود) باید افزود. سپس نوبت قبایل و کوه نشینان ایرانی می‌رسد که عبارت بودند از: طالش ^(۳)؛ کردان؛ روزکی ^(۴) و سپاه منصور و بازو کی و اردلان و چگنی ^(۵)؛ لران؛ عباسی (فیای). و پس از آنان دو امیر از امرای شیخوند قرار دارد که از سلاله فرعی خاندان صفوی به حسابند و در پایان همه خاندانی است عرب بنام کمونه ^(۶) جمعاً یکصد و چهارده امیر در دفاتر دیوان عالی ثبت بود و این عده اشراف ایل یا عشیره

۱ - ایل اخیر با خینیس (خنوس) مقیم ارمنستان مربوط است و باید از ترکمانان باشد. فهرست‌های مذکور در متن البته تقریبی است بضمیمه دوم نگاه کنید.

۲ - ایل طالش بیک لهجه ایرانی سخن می‌گوید اما ممکن است که مغول نژاد باشد و در میان شاهسونهای ترکمان ساکن مغان قبیله‌ای هست که طالش میکیلی (Mikeyli) نام دارد.

۳ - قبیله خانان بتلیس. به شرفنامه نگاه کنید.

۴ - در اوایل دوران صفویه کردن مکرری اهمیت یافتند. محمد علیخان شاه طهماسب دوم را هنگام گریز از اصفهان ملازمت کرد و با مر او صداقت عظمی و فرماندهی عساکر عراق یافت. رجوع کنید به زبدة التواریخ ص عکسی ۲۱۰ ب.

۵ - گفته‌اند که این خاندان از سادات و تقیای نجف هستند. سید سلیمان کمونه (کمونه [بشدیدیم]) هنگام سلطنت شاه اسماعیل اول حاکم حنه بود و از نکات جالب آنکه در ۶۸۴ هجری برابر ۱۲۸۴ م دانشمندی یهودی بنام عزالدوله بن کمونه از مردم بغداد کتبی نگاشت که مورد اعتراض مسلمانان واقع گشت و ناگزیر بعهله گریخت زیرا پس روی در این شهر شغل منشیگری داشت. بکتاب و. ج. فیشل بنام «یهود و اقتصاد و سیاست در قرون وسطی» چاپ ۱۹۳۷ ص ۱۳۴ مراجعه شود. زبدة التواریخ ص عکسی ۲۰۳ الف در زمان آخرین پادشاه صفوی از جعفرخان حاتمیی که از سلاله حاتم طائی و شاهزاده شمرده می‌شده است نام می‌برد.

بودند که فرماندهان نظامی و حکام و مصادر عالی امور از هیئتشان برگزیده میشد و از این ۱۱۴ تن اسکندر بیگ منشی در عالم آرا هفتاد و دو تن را بعنوان «معتبران و بزرگان هر طبقه و اویماق» نام میبرد. در این فهرست مخلص، قزلباش را پنجاه و شش محل و جغتای را سه محل و کردان را ده محل و شیخوند را دو محل و اعراب را یک محل است و جمعاً ۵۹ محل از آن ترکان و ۱۳ محل از آن غیر ترکان میباشد و از سیرده تن اخیر ده تن در زمره اشراف ایل با عنیره بشمارند. بلافاصله پس از این امر، از لحاظ رتبت، سپاهیان و ملازمان قرار داشتند. عالم آراء در حق آنان چنین میگوید (ص ۱۰۶):

«یوزباشیان عظام و ارباب مناصب و قورچیان و سایر ملازمان در گاه زه ان حضرت شاه جنت مکان (مقصود شاه طهماسب است) در حین ارتحال شش هزار نفرند از آن جمله چهار هزار نفر قورچی و یک هزار و پانصد نفر سایر جماعت از قورچیان داس و یساولان و بوکاولان و غیر ذلک در میانه این گروه یساولان و قورچیان معتبر و ایشیک آقاسیان و یساول پاشایان قور و دیوان و میرشکاران و نویچی باشیان و جمعی کبیر از هر طبقه و هر طایفه بودند که بپایه امارت رسیدند اگر چه بر سه امارت سرافرازاننده بودند اما در اعتبار کمتر از امراء نبودند و هر یک فرسخ و حال، نوکران کار آمدنی داشتند از پنج نفر تا پنجاه نفر چنانکه شش هزار کس ملازم خاصه پادشاه بودند و ملازمان ایشان و نوکران بشمار صحیح در آمد حسب التخمین بیست هزار کس میشدند بلکه زیاده و آوازه حلاوت و شجاعت گروه قورچی بمنابته بود که در هر معرکه که یکصد نفر قورچیان شاهی بودند بایک هزار نفر از سایر طبقات حشم برابر بودند» تاجیکان طبقه اشرافی بکای جدا گانه و خاص بودند (بعالم آراء ص ۱۱۲) مراجعه شود که میگوید «بتاجیکیه بین الجمهور مشهور» اینان از خاندان های باسنانی ایرانی بودند که علم و ادب و هنر نویسنده گی را بار داشتند^{۱۱} اعضا دوائر و ادارات را این مردم نسکین میدادند و مشاغل و مناصب نظارب و مندیگری و پزشکی و ستاره شناسی و کارهای هنری و صنعتگری از آنان بود و در زمره این گروه

۱ - در مورد این دسته دلاواله در ص ۷۵۹ کتاب خود اصطلاح ترکی «تات» یعنی «غیر ترک» را که برکان از آن مفهومی اهاب آموخو اهد، نکار مسرد. «معالمه تات Tāt» بعالم مینورسکی در دائره المعارف اسلامی. E. I. مراجعه شود.

اقلیتی ناحیز از تر کما بیان وجود داشتند بروس و شیوه همکاران خویش کاملاً خو گرفته و مجذوب آن شده بودند.

طبقه بزرگ روحانیان نیز با این تاجیکان اتحاد و بستگی نزدیک داشتند. خون نازی و عرق سامی برخی از سادات و مقدسین را تمایل و کشش سیاسی ندود و بطور کلی روحانیان معرف سنن ایرانی بودند؛ تغییر ناگهانی مذهب ارمنین به تشیع در زمان شاه اسماعیل اول ضربه سختی بود که بر بسیاری از روحانیان فرود آمد و از آنچند گروهی نیز گوشمال دیدند و تبعید گشتند^(۱).

روحانیان از لحاظ اقتصادی (بخصوص در امور قضایی) از یکسو با منشیان و کارگزاران حکومت سروکار داشتند و از سوی دیگر با خرده مالکین (در اداره اوقاف یا امور مربوط بمالکین)

راجع بمالکین اطلاعات مابین اندک است، برخی از آنان در پادشخت میزیستند و راه بدر بار نیز یافته بودند. صاحب عالم آرا درس ۱۲۲ میگوید:

«جمعی دیگر از اکابر و اعیان طبقه تاجیک در درگاه معالی بودند بعضی راه خدمت داشتند اگر چه بمهمی از مهمات جهان اختصاص نیافته بودند اما در مجالس بهشت آئین مشیر بودند.»

نویسنده از مردی سید نام میبرد که در قم صاحب املاک و رقعات بوده است و هم از یک تن کرمانی سخن میدارد و میگوید این هر دو برای مقام صداب عظمی در نظر گرفته شده اند ولی هرگز بدان مقام نایل نیامدند^(۲).

بطور کلی دورنمای جامعه عهدساز طهماسب باجوامع ایران زمان ساه اسماعیل اول یا اسلاف تر که ان وی مشابه و یکسانست^(۳). در نتیجه اصلاحات شاه عباس اول وضع بسیار متفاوتی حاصل آمد. شاردن در جلد پنجم سفرنامه ص ۲۲۴ و ۲۲۵ مینویسد شاه

۱ - مرآة الادوار مصنف الدین (تحت شماره Add7690) در صحنه عکسی ۲۳۱ حقایقی

از احساسات مخالف روحانیون مهاجر و خلای وطن کرده دارد.

۲ - مطالعه تواریخ محلی سرار، کاشان، قم، یزد و غیره که حاوی قصولی درباره

خانواده های محلی هستند، موضوع را سی روشن خواهد ساخت

۳ - نگاه کنید به Minor sky, Review, P. 170

عباس برای اینکه قلمرو منقسم میان حکام مختلف را یکی سازد و متحد گرداند تا گزیر گشت چون کشور بیگانه‌یی، آنرا بگشاید و فتح کند و این منظور را بادرهم شکستن افراد سپاهی سابق و خاندانهای قدیم کشور جامه عمل پوشانید و از آن پس روحانیان حتی مردم کشور را با آمیختن با اقوام و ملل و مذاهب دیگر سرکوب کرد، نویسنده چنین بسخن پایان می‌بخشد (ص ۲۹۰): «در ایران دیگر طبقه اشراف وجود ندارد همچنانکه در تمام مشرق زمین چنین طبقه‌ای نیست. شخص محترم محسوب نمیگردد مگر با نیل بدرجات و مقامات مهم و عالی یا ابراز لیاقت و شایستگی و بخصوص داشتن ثروت». این معدوم ساختن و هموار گردانیدن طبقه اشراف را شاه صفی، که ایوان مخوف ایران بشمار است، بطرز بیرحمانه‌تری ادامه داد. حال بهتر است بتکریم که این اعمال در کتاب گرانهای اسکندریک‌هنشی چگونه منعکس گردیده است. فهرست وی در این مورد بدو بخش منقسم میگردد:

۱ - اعضای «ایل محترم قزلباش و اورماق‌تیرا که جزء ایل قزلباش هستند» مشخص میدارد. این قسمت بر پنج شعبه مشتمل است:

الف - مقام اول متعلق است به عیسی خان شیخوند که از سلاله فرعی خاندان صفوی است و با خاندان شاهی پیوند کرده است^(۱).

ب - فهرست ایلات مشهور تر کمان را بدست میدهد. از اینقرار: شاعلو (شامل طوایف: بگدلو، عبدلو، عرب گراو و نلقاز) و استاجلو (شامل طوایف: کنگرلو و شرفلو) و ذوالقدر (شامل طوایف: سو کلان (؟) و شمس‌الدین‌لو و حاجیلر و قرغلو) و قاجار (شامل طایفه: ایگرمی‌درت) و افشار (شامل طوایف: ایمانلو و آلپلو و اصلو) و ترکمان (شامل طوایف: پرناک و اردک‌لو) و ایسپیرلو و روملو (شامل طایفه قویلاحصار) و قاراداقلو و بیات و طالش^(۲) و آلپائوت و قزاق‌لو و جاگیرلو و بایبورت‌لو.

۱ - درباره شیخوند و تمایلات مخالف آنان به عالم آرا ص ۲۴۲ و بسمرنامه (Viaggi) دقیق‌پیترو دلاواله چاپ برایتون ۱۸۴۳ ج ۲ ص ۷۶۳ (درخصوص افسانه‌های مربوط به تولد شاه عباس اول) مراجعه شود. در آنجا راجع به کسانی که افسانه‌های مزبور را شایع می‌سازند میگوید «آنانرا که نمایلات نمیکو نیست مخصوصاً شیخوند های اردبیل او را بس اندک دوست دارند.»

۲ - بضمیمه دوم ص ۲۱ این کتاب مراجعه شود.

ج - شعبه سوم قبایل کرد و لر را فهرست میکند که عبارتند از : عباسی - فیلی ، اردلان ، بختیاری ، چگنی ، دهبلی ، سیاه منصور ، زنگنه ، شقاقی ، سورله (۱) ، گروس ، کلائی (۲) ، کاه گیر ، جستانی .

د - شعبه چهارم که تحت فرمان جغتای قرار دارد مرکب است از اویماقات متبب بشرق مانند بقه ترکمن صائین خانه (۱) و غیره . اسامی ایلات مذکور اینست : گرایلی ، مچکی ، توکالی ، قزایبات ، جالیر ، قمری (۲) جان قربان ، قراباش ، غوری ، جمشیدی (۳) .

ه - شعبه پنجم مرکب است از « ایلات مختلف دیگری که به اویماقات قزلباش تعلق ندارند » اینان عبارتند از : مقدم ، لکی سلماسی ، زنوزی ، سیل سیور (اصلا در آسیای صغیر راهزن بودند) ، بایدار (ساکن گرجستان) ، (۳) « ماوک » سیستان (که ادعا میکردند از اولاد صفاریان هستند) و افغانان (از قبایل قندهار) .

۲ - قسمت دوم مشتمل است بر « امرائی که غلام در گاهند » و همچنین معلوم است که در سلطنت شاه عباس اول « فوجی کثیر از این طبقه توفیق اسلام و سعادت غلامی این درگاه ملایک مقام دریافتند اکثر از عهد صبی در ظل مرحمت و سایه تربیت آنحضرت نشو و نما یافته و باطوار حمیده اش آشنا گشته استعداد امارت و قابلیت مناصب خانی و مراتب سلطانی بهم رسانیده بودند . لهذا بعضی از امراء قزلباش و حکام ممالک که از جهان فانی بعالم جاودانی ارتحال نموده در میانه آن اویماق کسی که شایستگی تربیت و تفویض منصب عالی امارت داشته باشد نبود ، یکی از غلامان خاصه شریفه که بوفور عدالت و کاردانی و شجاعت و دلیری و جانسپاری در راه ولینعمت از اقران ممتاز بود بامارت آن ایل وقشون (۴) و لشکر و حکومت آن الکاظمین میشدند . »

در فهرستی که از این قبیل غلامان داده میشود نخست نام امام قلیخان برده شده

۱ - میرزا مهدیخان در « دره نادره » میگوید ترکمانان صائین خانی تابع خوارزم بودند اما نزدیک استرآباد میزبندند . به حبیب السیر جلد سوم ، جزء چهارم ص ۳۶۷ مراجعه شود .

۲ - دو ایل اخیر باید ایرانی باشند .

۳ - بیول سلطان بایدار میان رودهای : کر ، خرام و آلگنی واقع بود .

۴ - اصطلاح قشون ، مکن است برای سوار نظام ترکمن و لشکر برای پیاده نظام باشد .

است و او کسی است که بجانشینی پدر معروف خود الله وردی خان (ارمنی جدیدالاسلام) بیکار بیکی فارس و توابع گردید و اختیار انتخاب و تعیین حکام جزء را نیز داشت^(۱) پسر امام قلیخان صفی قلی خان بجای خان لار که حکومتی موروثی داشت منصوب گشت^(۲) و برادر وی حاشی رئیس ایل فاجار که در آن ایل مهمی مهم و حساس بشمار می آمد گردید صفی قلیخان دیگری (که به «گرچی» معروف بود) بیکار بیکی بغداد، حتی مولی بهاع مسرکه عراق گشت، اسرآباد تحت حکومت خسروخان و مشهد تحت حکومت موهوهرخان که هر دو گرچی بودند اداره میشد فزایجان «حرکس» بیکار بیکی شیروان بود و هم ریاست ایلات قزلباش فرمانلو و جنوسلو را در تصدی داشت فرخخان درعین حکومت درسد رئیس ایلات قراناس روملو و بیاب نیز بود و عالمان دیگری نیز بجانشینی مقام موروثی ریاست ایلات همیشهگرک، افشار، ایداو، پاروکی، حواندیر، اتورایکی و غیره و حکومت و تیولداری آنان منصوب گشته بودند عالم آرا ارقام و مولزیبی بدست میدهد که از آن میتوان مفهوم حقیقی این متحد و انداع را بدقت کامل دریافت

۱ - از مجموع ۸۹ امیر ۷۴ تن از قزلباش و فقط ۱۵ تن از عالمان بودند^(۳) و لذا پنج بیک کارها بدست عناصری جدید افتاد که برقی و تعالی آنان مرهون ایافت شخصی و اطمینان بشاه بود، نه وراثت و اصل و نسب

۲ - جمعیت ایلات قزلباش به نسبت بسیار فزونی گرفته بود، برخی طوایف و حاکماتهای کوچکتر معدودا و جدا جدا مأموریتهایی یافتند و پاره ای دسته بندیهای جدید عشیرتی نیز صورت گرفت، مثلا شهرت دارد که ایل عربگیرلو و نلغاز «اکمون جزء» ایل وفادار و بزرگ شاملو هستند «که در زمرة اویمافها مقام اول را در هر سب دارد»

۱ - پیرو دلاواله در سن ۲۷۳ مخصوصا اشاره میکند که امام قلیخان سیرارمردی ارمن برادر ار مردم گر حسان و یوسف خان سروان ارمن راد و فریدون خان اسرآباد کرکس راد و کارچیکابیک فرمانده قسوں ارمن راد مسیحی است و بزرگروه بسیار دیگر

۲ - در سال ۱۰۱۰ هـ (برابر ۱۶۰۱ م) بدست الله وردیخان تصرف شد (عالم آرا ص ۴۲۵)

۳ - ارقامی که عالم آراء بدست میدهد ۹۳ است، مجموع ۷۲ قراناس و ۲۱ اعلام - ولی ما شماره امرایی را که نام آنان در متن یاد شده بود ملاک قرار دادیم

سها دوابل شاملو و ذوالقدر هر يك هفت مقام اداری را در اختیار داشتند، در صورتیکه اغلب ایلات بيك یا دو حکومت از حکومت شهرستانها خرسند بودند، آمار مهم فوق نمودار اوضاع زمان معارن مرگشاه عباس اول ۱۰۳۸ هجری (برابر ۱۶۱۹ م) است که اساس قدرت صفویه را تغییر داد.

در سلطنت نواده شاه عباس، شاه صفی تغییرات فوق بنابر بر روی میگردید و از مطالعه کتاب فوق حدوت تغییرات زیرین را درمی یابیم

الف - نام مقامات ذی مورد، دیگر با نسبت ایل یا طایفه آنان مذکور نمیگردد
ب - گرچه بیشتر مصادر عالی امور ترکمانند اما در میان آنان چندتن اوافای، که اعلی ترکی و بمعنی خاوار است، راه یافته بودند (نگاه کنید سوری دیل عنوان مشرف الحاقان در بخش تعلیمات کتاب حاضر)

ج - فرماندهی اوراد جدید (قوللر) را شاهزاده ای گرجی بنام خسرو میرزا داشت که بعدها در گرجستان بنام رستم سلطان رسید و شاه او را بطور رسمی «اخویم» (برادرم) خطاب میکرد. علاوه بر این معلوم است که مقام داروغگی اصفهان (صفحة ۵۸ تذکره الملوک حاج بهران) همواره با شاهزادگان گرجی بوده و در مورد تمسکاتی باشیان میتوان گفت که آنهاشان هیچگونه ارسلانی با نسبت و خویشی آنان نداشته است.
د - در میان مصادر امور و مقامات ذی مورد برحی از ازامنه جدید الاسلام در عداد رجال برحسند شمارند مانند امیر شکار خسرو سلطان (ارغلامان جدید الاسلام) و شیریحی باشی امیر بيك ارمی (علام خاصه) که پس از وی سرس صفی قلی بجاشینی او منصوب گشت^(۱)

آمدن عده کثیری از فقاریان ایران واقعه بسیار مهمی است که عمیقاً در اساس اجتماعی طبقات حاکمه این کشور مؤثر واقع گردیده و عامل مهم در این جریان جنگ شاه عباس اول است در موارد فقیر است که در بيك منشی از هجوم کاخ در ۱۰۲۵ هجری

۱ - اولتاریوس در ص ۶۶۷ (۲۷۲ ترجمه انگلیسی) نگفت است از اینکه در زمان وی «کس از صاحبان مناصب در نازی مشکل توان یافت که حتی ادعای دانش والدیسی از جا بواده های معمول و متوسط کند». وی در شرح احوال معتمدیان امور دقیقاً مطالعه دارد تا بدان حد که آنان را جانان است با از بنابر فقاریان هستند

برابر ۱۶۱۶ میلادی آماری بدست میدهد و میگوید تعداد مقتولین ۶۰ تا ۷۰ هزار تن و تعداد اسیران جوان از نرینه و مادینه ۱۰۰ تا ۱۳۰ هزار بود و اظهار میدارد: «معاوم نیست که از ظهور اسلام الی الآن در زمان هیجیک از پادشاهان ذی شوکت دیار اسلام ایشان را چنین حادثه‌ای پیش آمده باشد» (عالم آرا ص ۶۳۵) (۱). با گذشت زمان اجتماع ایران از عناصر قفقازی لبریز شد. شاردن در جلد پنجم ص ۳۰۷ میگوید: اشاعه نژاد و خون گرجی در ایران بسیار است و علت آن نه تنها زنان زبانی است که از گرجستان می آیند و هر کس مایل است که از آنسان داشته باشد بلکه از آن لحاظ است که شاه عباس اول و جانشینان وی خوش داشتند گرجیان را بکارها بگمارند، و از آن پس که گرجستان را مسخر ساختند، تعداد بیشماری گرجی را بکشور خود بردند و اینان چنان سرشاهراه ترقی می کنند که اکنون غالب امور مهم بدست کسانیست که اصل گرجی دارند و گرجی زاده اند.

تاورنیه (جلد پنجم فصل دهم) آن اندازه غلو دارد که میگوید: «افراد ایرانی زیبا نگردند مگر بآمیزش با گرجیان اعم از نرینه یا مادینه». شاردن در جلد پنجم ص ۲۲۸ با زیرکی و کیاست خاص خود خطر این وضع را احساس و علت آنرا چنین توجیه میکند که «گرجیان و مردم ایبری» (۲) که مقام حکومت بدانان تفویض میشود تقریباً همگی غلامزاده و خارجی هستند و هیچگونه بستگی و نقطه اتکالی در کشور و میان خودشان ندارند».

گرجیان آسان از دینی بدینی در می آمدند (۳) و نسبت با اسلام نیز چندان تعصبی نداشتند. پیش از عزیمت سفیر روس (ا. ب. ولینسکی) از ایران (۱۱۳۱ هجری) (۱۷۱۸ م.) فرمانده کل سپاهیان ایرانی «قولر آقاسی» که از شاهزادگان

۱ - گرجیان در مازندران و نزدیک اصفهان و غیره سکنی گزیدند. مردم حد دریه در مریدن هوز بگرجی سخن میگویند و اهالی قریه عباس آباد بر سر راه خراسان گرجی هستند. امسا در ۱۹۳۴ شنیدم که در آن ده فقط پیر زالی برجایست که اندکی گرجی بخاطر دارد.

۲ - کذا (مرجم).

۳ - به کمیتر ص ۲۴۰ مراجعه کنید.

گرجستان و بنام وختانك پسر لئون بود فرستاده‌ای نزد وی گسیل داشت تا سفیر را آگاهی دهد که هنوز در دل به مسیح ایمان دارد^(۱).

خلاصه قفقازیان و بویژه گرجیان در ایران وضعی همانند امرای «خراسانی» در دربار پادشاهان اخیر مغول هند اجرا کرده بودند، بدین معنی که چون خراسانیان کاملاً جلب سرزمین هند نشده و آنجا را وطن اصلی خویش نمی‌دانستند در حمله نادر بدلی عاملی خطرناک گشتند^(۲)، در زمان شاه سلطان حسین ضعیف‌الاراده نیز مخالفت‌های موجود در داخل حکومت صفوی یعنی دوگانگی در حکومت (diarchy) سلسله‌چنان ناتوانی و انحطاط و انقراض گشت^(۳).

۳ - طبقات میانه - منابع موجود از وضع و تعداد خرده‌الکین اطلاعاتی بدست نمیدهد - توسعه املاک خاصه و تعداد بیشتر موقوفات و نیول از توسعه املاک شخصی بشدت جلوگیری میکرد.

راجع به طبقه متوسط مقیم شهرها نیز اطلاعاتی در دست نیست. چنانکه گفته شد شاه بزرگترین سرمایه‌دار بشمار می‌آمد. بازرگانان فقط در مقابل پول نقد^(۴) داد و ستد میکردند. با اینحال پول نیز کمیاب بود و بیشتر بخزانه میریخت و آنجا میماند و بیرون آمدن نداشت (بگفته شاردن). بسیاری از هندیان رباخوار و صراف (که تنها در اصفهان بده هزار تن میرسیدند) برای اعتمارات و بازار پول وضع بحرانی خاص ایجاد میکردند. شاه عباس اول از سکونت آنان در ایران جلوگیری کرد. ولی شاه صفی تطبیع هدایای آنان گشت. شاردن در جلد چهارم ص ۶۴ کار این گروه را چنین توصیف

۱ - همچنین بمقاله تغلیس مینورسکی در دائرة المعارف اسلامی و به وقایع روزانه فرقه کارملیت ص ۵۶۸ درباره تمایلی که خسروخان دیوان بکی (لئون) در ۱۷۰۷ م. (برابر ۱۱۲۰ هجری) ابراز میداشت تا بطور محرمانه در فرقه کاتولیک پذیرفته شود نگاه کنید.

۲ - بمقاله (ج سرکار) در (و. ایروین) بنام سلاطین اخیر مغول مراجعه شود.

۳ - در سلطنت شاه سلطان حسین تا حدی نفوذ ترکان در دربار او برقرار شد به زبده النوارین (ص عکسی ۲۰۸ الف) در خصوص دستگاه صدارت محمد قلیخان شاملو مراجعه کنید.

۴ - هر دو طرف بهنگام پرداخت وجه کیسه‌های محتوی معادل ۵۰ تومان سکه نقره رد و بدل میکردند (شاردن جلد چهارم ص ۱۷۰).

می‌کند «این هندیان چون زالو که خون مکند، زر و سیم کشور را از هر جا گردمی آورند و بدیاری خویش میفرستند آنچه آنکه در سال ۱۶۷۷ که من از ایران باز گشتم آنچه تقریباً سکه سره یافت نمیشد و صرافان مذکور همه را برچیده بودند.»^(۱) هندیان در مدت ۱۸ تا ۲۰ ماه داد و ستد در ایران سرمایه خویش را دو برابر میساختند در صورتیکه سود عامه بازرگانان ایرانی در سال ۳۰ تا ۴۰ درصد بود. بازرگانان طبقه ثروتمند و منفعت بر بشمار میرفتند. بعضی از آنان در عین حال درسوئد و چین نماینده داشتند (باستناد قول شاردن، جلد چهارم ص ۱۶۷). با مطالعه داستانی از زبدة التواریخ میتوان از سرهاید و پول اندوزی بازرگانان مطلع گردید. در محاصره اصفهان بدست افغانان مؤلف زبدة التواریخ محمد محسن مأمور شد تا همه جا را برای یافتن خوراکی و خواربار تفحص و جستجو کند. در میدان شاه در خانه تاجری نقشینه فروش که مقصود کسی است که اشیاء گرانبها خرید و فروشد، چهارده کیسه یافت که هر یک صدمین تبریز و یا بیشتر وزن داشت و معاوم گردید که محتوی کیسه‌ها «زر عباسی تازه سکه» است^(۲) همراهان محمد محسن که از غایت گرسنگی نیمه جان بودند از مشاهده این متاع بی حاصل از حمل آن کیسه‌ها خودداری کردند.

۱۴۰۰ من نقره مساوی است با ۸۹۶۰ مقال که بهای آن معادل ۱۷۹۲ تومان (یک عباسی برابر یک مقال نقره دارد و هر تومان معادل ۵۰ عباسی) میباشد. با وجود این بطور کلی نمیتوان گفت که تجارت ایران توسعه و رواج داشته است. استخراج معادن هنوز توسعه نیافته بود و کالای صادراتی ثابت و دائم عبارت بود از ابریشم و پارچه

۱ - تا آغاز قرن بیستم نیز هند از ایران معادیر هنگفتی نقره خارج میکرد.

۲ - مسأله تجارت ابریشم ایران شایان مطالعه مخصوص است. درباره راهی که این کالا از آن بایستی حمل شود بحریکات و بوطنه‌های بسیار ترتیب داده میشد. شرکت انگلیسی «لوانت که بانی» حمایت از راه حلب میکرد و شرکت هند شرقی از طریق خلیج فارس و دور افریقا و شرکت مسکوی روسی از طریق روسیه. بکتاب «مسأله تجارت شرقی انگلیس» England's Quest of Eastern Trade جاب ۱۹۳۳ مراجعه شود. بطر کبیر در دستورهائی که بسفیر خویش ا. ولینسکی (۱۷۱۵) میدهد سفارش میکند که حتی الامکان در نمایاندن امتیازات راه دریائی روسیه بنظور نفییر دادن راه از حلب بروسیه سعی و افریجای آرد. (در این مورد سند ساخگی معروف به «وصینامه بطر کبیر» مخصوصاً حاوی اشتباه بزرگی است).